



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ISSN 2476-3314

دست‌های رنگین

www.roshdmag.ir رشد آموزش

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای مربیان پیش‌دبستانی، والدین، مدرسان و دانش‌جویان |

دوره دوازدهم • شماره ۱ • پاییز ۱۳۹۹ • ۴۸ صفحه • ۷۵۰۰۰ ریال • پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵





قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):
نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الصَّحَّةُ وَالْأَمَانُ
دو نعمتند که قدرشان مجهول است: عافیت (سلامتی) و امنیت

الخصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۴

دبستان

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای مربیان مراکز پیش دبستانی، والدین،
دانشجویان و کارشناسان آموزشی | دوره دوازدهم | شماره ۱ | پاییز ۱۳۹۹ | ۴۸ صفحه
www.rosdmdmag.ir



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: محمد ابراهیم محمدی
سردبیر: مسعود تهرانی فرجاد
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
دکتر رخساره فضلی
دکتر بتول سبزه
دکتر سیامک طهماسبی
مشاور علمی: دکتر فرخنده مفیدی
مدیر داخلی: رقیه قنبری
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد
طراح گرافیک: سعید دین پناه

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۹۱-۹
(داخلی ۲۴۲)

نمایر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶

صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

وبسایت: www.rosdmdmag.ir

رایانامه: pishdabestani@rosdmdmag.ir

پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵

چاپ و توزیع: شرکت افست

- ۲ **یادداشت سردبیر** / هویت پیش از دبستان را دریابیم / مسعود تهرانی فرجاد
- ۴ **تربیت و یادگیری** / یادگیری تعطیل نیست / دکتر رخساره فضلی
- ۶ **تربیت و یادگیری** / اتخاذ یک تصمیم حرفه‌ای / مریم پورسلطانی
- ۱۰ **نقد و نظر** / قرآن، نقشه راه منظومه رشد / سمیه رضائی پور
- ۱۳ **گزارش** / تاریخ بیست ساله / مرتضی طاهری
- ۱۴ **فرصت تربیتی** / پرورش اخلاق در نمایش خلاق / کبری مالمیر
- ۱۸ **پژوهش** / کرونا و کودکان پیش دبستان / دکتر سیدعلی خالقی نژاد
- ۲۰ **مشاوره** / چند راهکار برای کنترل بدرفتاری کودک / دکتر بتول سبزه
- ۲۳ **شاهد کلام وحی** / نقش تمثیل و تشبیه در تربیت کودکان / محمد یوسفیان
- ۲۷ **مدیریت آموزشی** / ویژگی‌های مدیریت اثربخش در مهدهای کودک / دکتر لیلا ولی زاده
- ۳۰ **باغ تجربه‌ها** / کودک مهرورزم آرزوست / فریده عصاره
- ۳۳ **کودک و رسانه** / دوست دارید فرزند شما شبیه بن‌تن شود؟ / مریم سادات مشهدی
- دکتر سیامک طهماسبی
- ۳۶ **مهارت‌های پایه** / چشم‌ها و دست‌ها / سمیه الله پناه
- ۴۰ **مشاوره** / نمی‌توانم یاد بگیرم! / زهرا شعبان
- ۴۴ **پژوهش** / هویت‌یابی با داستان‌سرایی در کودکان پیش دبستان / مقصود خدایاری

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله يك خط در میان، در يك روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروف چینی شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان یا خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

هویت پیش از دبستان را دریابیم!

پرواضح است که تحول بنیادین باید از بنیادی‌ترین دوره یعنی اوان کودکی (از کودکی تا پیش از دبستان و بعد دبستان) آغاز شود. این در حالی است که منابع روایی، علمی و همچنین مستندات قانونی به وفور و به‌طور معناداری بر ویژگی‌های سنی و تفاوت‌های خاص در اوان کودکی یا همان دوره پیش از دبستان نسبت به دوره دبستان یا هفت سال دوم، تأکید دارند اما ظاهراً فقط ساختارهای تشکیلاتی و اداری در نظام تعلیم و تربیت ایران مانع تحقق چنین اقدام تحولی و اساسی می‌شود. از آنجا که مخاطبان ارجمند و فرهیخته معمولاً از مستندات دینی و علمی باخبرند، در ادامه برخی مستندات قانونی را به اختصار ارائه می‌نمایم:

● تأکید و تصریح مقام معظم رهبری به تفکیک نمودن جایگاه مهدکودک و پیش‌دبستان در بند دوم سیاست‌های ابلاغی معظم‌له به وزارت آموزش و پرورش و همچنین تأکید بر امر حاکمیتی، به معنای اینکه باید مهدکودک و پیش‌دبستان تحت پوشش و نظارت نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور باشد.

● قانون مجلس شورای اسلامی (تبصره دو ماده یک قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی مصوب ۱۳۹۵) مبنی بر واگذاری محتوای آموزشی و پرورشی ویژه مهدهای کودک و نظارت بر آن، به وزارت آموزش و پرورش

● مدیریت بررسی و نظارت بر تولید محتوای استان‌ها، مراکز و مؤسسات آموزشی توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، در راستای اجرای سیاست واگذاری نقش و مسئولیت

تعلیم و تربیت دوره پیش‌دبستان در ایران با مسائل بسیار مهم و متعددی مواجه است؛ از مسائل روز همچون آگاهی کودکان، خانواده‌ها و مربیان در کسب مهارت‌های لازم برای برخورد با ویروس کرونا گرفته تا مسائل دیگر مانند جایگاه و تثبیت شغلی و حرفه‌ای مربیان یا آموزش‌های اثربخش به والدین کودکان پیش‌دستانی، اما اگر بخواهیم با یک مثال عینی مهم‌ترین مسئله دوره پیش از دبستان در ایران را مطرح کنیم، فردی را در نظر می‌گیریم که بر اثر سانحه دچار جراحات‌های شدید شده و به حالت اغما افتاده است اما در تشخیص فرایند درمان به جای اینکه اول او را احیا کنند، بخواهند مزاجش را درمان نمایند.

به‌رغم شعارها و تلاش‌های بعضاً صورت گرفته، درخصوص توجه به جایگاه و اهمیت دوره آینده‌ساز پیش از دبستان، به دلایل اداری و توجیهات تشکیلاتی همچنان شاهد کم‌رنگ شدن جایگاه این دوره حساس و مهم در ساختار نظام تعلیم و تربیت کشور هستیم. در این میان، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های احتمالی ادغام مدیریت دوره پیش‌دبستان با دوره دبستان است. بدیهی است دوره‌های تحصیلی باید هماهنگ و همسو باشند اما با هویت و مدیریت مستقل بدون تداخل در مأموریت‌ها به وظایف و امور محوله خود برای دستیابی به اهداف خاص هر دوره و سپس اهداف مشترک دوره‌های دیگر بپردازند.

اما اینکه مثلاً دوره پیش از دبستان از نظر ساختار اداری بدنه کارشناسی و نیروی انسانی با دوره دبستان ادغام شود نه تنها منجر به چابک‌سازی نمی‌شود بلکه باعث سنگینی و انباشتگی وظایف و مسئولیت‌های خطیر هر دو دوره در یک مدیریت خواهد بود و این ثمرهای جز بی‌رمق شدن برنامه‌ها و مأموریت‌های دوره پیش از دبستان و از سوی دیگر کند شدن فعالیت‌ها در دوره دبستان نخواهد داشت.





● براساس مستندات دینی، علمی و روان‌شناختی فراوان، اقتضایات تربیتی و آموزشی کودکان در هفت سال اول بسیار متفاوت با هفت سال دوم است. از این‌رو، عدم استقلال و ملحق‌بودن آن به دوره دبستان تصمیمی غیرعلمی و غیرحرفه‌ای است و مانند همیشه باعث کمرنگ‌شدن و جدی نگرفتن دوره سرنوشت‌ساز پیش از دبستان می‌شود.

با توجه به مستندات فوق بر مسئولان دغدغه‌مند و دلسوز نسبت به آینده کشور واجب است که در کیفیت‌بخشی و ارتقای جایگاه و هویت مستقل و تخصصی تعلیم و تربیت کودکان در هفت سال اول (دوره پیش از دبستان) اهتمام عملی ورزند. در غیر این صورت همچنان شاهد پراکندگی برنامه‌ها و محتواهای آموزشی غیرتخصصی در مهدهای کودک و پیش‌دستانی‌ها خواهیم بود. طبق بررسی‌های میدانی در حوزه مهد‌کودک و به‌ویژه پیش‌دبستان بیش از ده نهاد دولتی و غیردولتی به‌طور علنی و جدی و بدون نظارت یک مدیریت واحد و مستقل، در سراسر کشور فعالیت دارند. امید و انتظار داریم با تدبیری اساسی و جدی بتوانیم آینده‌ای پرفروغ و همسو با آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی برای کودکان این مرز بوم بیافرینیم.

بدانیم که

تحول بنیادین، از بنیادی‌ترین دوره یعنی دوره پیش از دبستان آغاز می‌شود؛ پس ناگزیریم برای آن تدبیری بیندیشیم.

ان‌شاءالله

تولید محتوا به استان‌ها (ماده ۵ اساسنامه دوره پیش‌دبستان مصوب ۶۹۹ شورای عالی و ابلاغیه وزارتی ۱۰۱/۱/۱۳۹۴)، که تحقق این مأموریت مهم و اساسی مستلزم توجه جدی به جایگاه دوره پیش‌دبستان در ساختار اداری و حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و پشتیبانی همه‌جانبه از آن است. زیرا دستیابی به اهداف و آرزوها و تربیت صحیح مبتنی بر اسناد تحولی با پشتیبانی علمی، تربیتی، آموزشی و نظارت کامل بر حسن اجرا و تحقق برنامه‌های استاندارد و مصوب محقق خواهد شد.

● تصریح برنامه درسی ملی (مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۱) در بخش تبیین ساختار آموزشی در سند مزبور پیش‌دبستان را به‌عنوان دوره‌ای رسمی (دارای برنامه مصوب، ساختار و جایگاه قانونی و منسجم) و غیراجباری (اما در استان‌های مرزی و محروم با حمایت و پیگیری دولت پوشش حداکثری داشته و در مراکز غیردولتی نیز با آمار قابل‌توجهی حضور دارند، به‌طوری‌که همه نوآموزان پیش‌دبستان سراسر کشور مانند دانش‌آموزان دبستانی در سامانه سناد ثبت و پذیرش می‌شوند). لذا اشاعه برنامه درسی دوره و پشتیبانی از آن مستلزم نگاه جدی به جایگاه این دوره در ساختار اداری و آموزشی است.

● مصوبه سال جاری هیئت وزیران (۱۳۹۹/۲/۲۷) مبنی بر تعیین شاخص‌های محتواهای آموزشی و پرورشی و برنامه آموزشی ویژه مهدهای کودک و نظارت بر آن‌ها با اعزام ناظران مجرب و تدوین راهنمای آموزش به مؤسسات و کارکنان مهدهای کودک به‌درستی به عهده وزارت آموزش و پرورش گذاشته شده است.

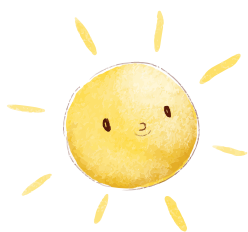


در شرایط دشوار این روزها که زندگی از روال عادی خارج شده است و ما از حضور در کنار یکدیگر محروم شده‌ایم، فاصله‌ها خودنمایی می‌کنند و همه به دنبال یافتن راه‌هایی هستیم تا فاصله‌ها را کم کنیم و نگذاریم محروم شدن از فعالیت‌های اجتماعی روحمان را بیازارد.

این روزها زمان مناسبی برای تمرین توکل و اعتماد به خالق هستی فراهم شده و موقعیت تربیتی بی‌بدیلی برای توجه به داشته‌ها و شکرگزاری به دست آمده است. بیایید هوشمندانه کووید ۱۹، این عامل تهدید سلامت جسمی و روانی را به فرصتی برای تربیت منش و انتقال ارزش‌ها تبدیل کنیم. بیایید یک‌صدا و هم‌نوا زیر سقف آسمان ایران عزیز اسلامی با افتخار به نوآموزان دوره پیش‌دبستانی خدمت کنیم؛ خدمتی ارزشمند، تا هم دینمان را به کودکان ادا کنیم و هم جامعه جایگاه آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستان را بیش از گذشته درک کند.

برای کودکانی که بزرگی در انتظار آن‌هاست، به گونه‌ای بیندیشیم، بنویسیم و طراحی کنیم که فردایی روشن و امن در انتظارشان باشد. یادمان باشد که کلاس‌های دوره پیش‌دبستانی همچون سایر دوره‌های تحصیلی تا پایان سال تحصیلی فعال‌اند. یادگیری نوآموزان دوره پیش‌دبستانی به هیچ‌وجه تعطیل نیست و این امر مهم در مناطق محروم و دوزبانه از اهمیت بیشتری برخوردار است.





همکاران بزرگوار، مربیان عزیز، از شما می‌خواهیم:

و خلاقیت و نوآوری کودکان فراهم آورده است. به نوآموزان کمک کنید که بسازند، بخوانند، بگویند، ببینند، با شوق یاد بگیرند، فعالیت‌های ورزشی منظم روزانه داشته باشند و از دستاورد این تجربه برای تمام عمر خود بهره‌برداری کنند. به آن‌ها تمرین‌های تاب‌آوری، آرام‌بخشی و خودیادگیرندگی بدهید تا با والدین انجام دهند و گزارش آن را برای شما بفرستند. داشتن برنامه روزانه و اجرای مستقل آن راهکاری مؤثر است.

استفاده از همه امکانات موجود از جمله شبکه تعاملی شاد بستر و کانال ارتباط مربیان با نوآموزان است. از همه امکانات برای خلق ایده‌های ناب تربیتی و ارائه قصه و ترانه‌های شاد کودکانه براساس موقعیت‌های فرهنگی استفاده کنید. به کودکان کمک کنید که راه‌های جدید یادگیری با لذت را خلق کنند، مسئولیت یادگیری خود را بپذیرند و در صورت نیاز، به هم‌کلاسی‌هایشان کمک کنند.

خلاقیت و تولید مبتنی بر علایق شخصی را تشویق کنید. با طرح سؤالات ساده، کودکان را به جست‌وجوگری و تفکر تشویق کنید. فعالیت‌ها را متنوع ارائه دهید تا باعث خستگی و کاهش انگیزه آن‌ها نشوند.

بدیهی است طراحی فعالیت‌ها و ایجاد موقعیت‌های یادگیری، باید مبتنی بر برنامه درسی مصوب دوره پیش‌دبستان باشد. خلاقیت شما و توجه به تفاوت‌های فردی و شرایط خانوادگی نوآموزان تداوم یادگیری اثربخشی را رقم خواهد زد و حرفه‌ای بودن کار مربیان دوره پیش‌دبستانی را به نمایش خواهد گذاشت.

به هر روشی که امکان‌پذیر است، با نوآموزان در ارتباط باشید. مهم نیست که کلاس حضوری برگزار می‌کنید، برای آن‌ها فایل صوتی می‌فرستید یا یک کتاب داستان تصویری، پیام کوتاه دیداری و... (البته با رعایت پروتکل‌های بهداشتی) و یا همه این‌ها؛ مهم این است که جریان ارزشمند یادگیری تداوم داشته باشد.

نکات بهداشتی را به زبان کودکانه و در قالب قصه و بازی برای نوآموزان بیان کنید و توجه آن‌ها را به تأکید خداوند بر رعایت بهداشت جلب کنید.

به کودکان فرصت دهید که نگرانی‌ها و ترس‌هایشان را با شما در میان بگذارند و با درایت، توجه آنان را به قدرت لایزال الهی جلب کنید و یاری‌شان دهید تا با تکیه بر خداوند، آرام باشند. حال که کودکان کمتر فرصت هم‌صحبتی و بازی با دوستان خود را دارند و ناچارند در خانه بمانند، با آن‌ها همراه شوید و فعالیت‌هایی را برایشان طراحی کنید که بخش زیادی از زمان خود را به دیدن تلویزیون و بازی در فضای مجازی نگذرانند. بین زمان استفاده از رایانه و سایر فعالیت‌ها تعادل ایجاد کنید.

به خانواده‌ها کمک کنید که فعالیت‌های تربیتی خلاق و جذاب طراحی کنند و با فرزندان خود انجام دهند و از بودن با هم لذت ببرند.

این روزها بچه‌ها در کلاس حضور ندارند و با محدودیت‌هایی مواجه شده‌اند. تحمل و مدیریت این شرایط سخت که با طولانی شدن و محدودیت‌های محیطی و خانه‌های کوچک و... پیچیدگی بیشتری هم پیدا کرده، فرصت مناسبی برای شکوفایی استعدادها



**یادگیری
نوآموزان دوره
پیش‌دبستانی به
هیچ‌وجه تعطیل
نیست و این امر
مهم در مناطق
محروم و دوزبانه
از اهمیت بیشتری
برخوردار است**





اتخاذ يك تصميم حرفه‌ای

● مریم پورسلطانی / کارشناس ارشد مدیریت دولتی

اشاره

مربیان با آگاهی از چالش‌های بسیاری که در فضای آموزشی پیش رو دارند، می‌توانند با هوشمندی، مدیریت این فضا را بر پایه مشارکت به میزان زیادی پایه‌ریزی کنند. طرح انضباط در فضای آموزشی به مربیان ارائه می‌شود تا مهارت‌های مدیریتی را همراه با دیدگاه‌های کودکان توسعه دهند و مدیریت و انضباط را به آموزش و یادگیری در آن پیوند زنند.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های مدیریتی، مدیریت، انضباط، آموزش

طرح انضباطی

انضباط بر رفتاری دلالت دارد که از طریق آن کودک پذیرفته شدن از جانب دیگران و در نتیجه، در حد وسیع‌تری پذیرش خود را تجربه می‌کند. وقتی به انضباط از این منظر نگریسته شود، دیگر محدودیت به حساب نمی‌آید. ما به‌عنوان مربی، دیگر نباید انضباط را شیوه‌ای از قدرت در نظر بگیریم بلکه باید آن را شکلی از رهبری بدانیم که در چارچوب محدودیت‌هایی معین، به کودک آزادی می‌دهد.

معمولاً مربیان بنا بر آنچه تصمیم گرفته‌اند، با کودک برخورد می‌کنند؛ بدون اینکه توجه کنند آیا این برخورد برای کودکان معنادار است یا نه. برخی از مربیان می‌گویند کودک می‌داند برای چه چیزی تنبیه می‌شود و معمولاً پیامد رفتارشان را بدون توجه به اعتراضات کودک عادلانه می‌دانند. وقتی کودک تصمیم مربی خود را درک نکند و با تصمیم او موافق نباشد، نتیجه آن اعتراض، بدعتی و خشم پنهان اوست. برخی از مربیان معتقدند که تنبیه برای کودک خوب است؛ چون یاد می‌گیرد که بین درست و نادرست تمایز قائل شود و می‌آموزد که رفتار اشتباه فایده‌ای ندارد. آن‌ها این حقیقت را که کودک کم‌کم نسبت به مرجع قدرت تنفر پیدا می‌کند، نادیده می‌گیرند.

آموزش اولیه در خانه نگرش کودک را نسبت به انضباط و پذیرش مسئولیت شکل می‌دهد. هر چه رابطه اعضای خانواده با هم بهتر و همکاری میان والدین بیشتر باشد، کودک با احتمال بیشتری محدودیت‌هایی را که برایش تعیین شده است، می‌پذیرد و به تأیید والدین بیشتر اهمیت می‌دهد.

او همان‌طور که بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود، با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌گردد که لازمه آن‌ها انضباط است و باید رهنمایی باشند که او را راهنمایی کنند. از زمانی که کودک به محیطی آموزشی وارد و با مربی مواجه می‌شود، ارتباط اجتماعی او وسیع‌تر می‌شود. در اینجا او در معرض اشکال جدیدی از انضباط مانند گوش دادن و انجام دادن به‌موقع فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. هر چه او در خانه همکاری بیشتری داشته باشد، با مربی نیز بیشتر همکاری خواهد داشت؛ به شرط اینکه محیط آموزشی در شکلی وسیع‌تر در ادامه فضای خانه باشد اما اگر در آنجا با ارزش‌های متفاوت و معیارهای انضباطی مغایر با آن‌هایی که در خانه تجربه کرده است مواجه شود، مشکلاتی در سازگاری پیدا خواهد کرد. این موضوع چه پیشینه خانواده دموکراتیک باشد چه استبدادی، مصداق دارد. به منظور کمک به این کودک برای سازگار شدن با محیط تازه و انتظارات جدید، مربی باید با تجارب قبلی او در ارتباط با مسئولیت و همکاری آشنایی پیدا کند. بنابراین، برای کمک به کودک جهت ایجاد تغییرات مناسب و به وجود آوردن الگوهای رفتاری مورد انتظار، که موجب یادگیری می‌شوند، مربی در موقعیت بهتری قرار دارد. چنانچه مربی اطلاعاتی را درباره معیارهای انضباطی در خانه بین کودک و والدین شناسایی کند، می‌تواند شیوه‌های انضباطی خود را برای او معنادار سازد. بررسی الگوهای رفتاری در خانه باید مقدم بر همه تلاش‌ها برای طرح انضباطی به منظور تغییر رفتار کودک باشد. این اولین گام مهم در فرایند طرح انضباطی است.

● نظر شما درباره برقراری انضباط در فضای آموزشی چیست؟

ممکن است بسیاری از مربیان در زمینه مهارت‌های مدیریتی - انضباطی آموزش چندانی ندیده باشند. در حالی که در عمل، مربی خوب و موفق کسی است که با مهارت‌ها و شیوه‌های خودانضباطی به‌طور مؤثر و کارآمد آشنا باشد. چرا شما نتوانید چنین فردی باشید؟

انضباط در فضای آموزشی به معنای آموزش مجموعه‌ای از کنترل‌های درونی به کودک است که الگوی رفتاری مورد قبول جامعه را در اختیار او





**انضباط رفتاری
دلالت دارد که از
طریق آن کودک
پذیرفته شدن از
جانب دیگران و
در نتیجه، در حد
وسیع‌تری پذیرش
خود را تجربه
می‌کند**

یک مربی مجرب به منظور تهیه طرح انضباطی باید در شروع هر آموزش به کمک کودکان، مقرراتی را آماده کند که کودکان همیشه آن‌ها را رعایت کنند. پس از آن، پاداش‌هایی را مشخص سازد که کودکان در صورت رعایت کردن مقررات آن‌ها را دریافت کنند و سرانجام، به تعریف محدودیت‌هایی بپردازد که اعمال خواهد کرد؛ البته در برخورد با کودکی که قوانین خود ساخته را که خودش در طراحی آن‌ها نقش داشته، رعایت نکرده باشد

تدوین طرح انضباطی کلاس با تعامل بین مربی و کودکان انجام می‌گیرد. در این تعاملات، سلسله‌مراتب انضباطی برای همه روشن است و مربی در مقابل قانون‌شکنی کودکان، اقدامات اصلاحی مشخصی را پیگیری خواهد کرد.

معمولاً مربیان برای برخورد با موقعیت‌های انضباطی، طرحی از پیش تعیین شده ندارند. بنابراین، از واکنش‌های پیش‌بینی نشده خود نتیجه معکوس می‌گیرند یا رویکرد واکنشی آن‌ها قاطع به نظر نمی‌آید؛ مانند: «مهربان، می‌شود ساکت باشی و فعالیتت را انجام دهی!» گاهی هم خصمانه است: «مهربان، دهانت را ببند! من امروز به اندازه کافی از دست تو کشیده‌ام. از دست تو و کارهایت خسته شده‌ام!»

تدوین طرح انضباطی به مربیان اجازه خواهد داد که با اعمال و اقداماتی مشخص، نقشی فعال و پیشگیرانه داشته باشند؛ مانند: «مهربان، تو مقررات را می‌دانی و اگر دوباره شلوغ کنی، خودت رفتن به میز تنهایی را انتخاب کرده‌ای.»

مربی خطاب به کودکان: «بچه‌ها، میز تنهایی را به مهربان نشان بدهید.» کودکان به میز و صندلی‌ای که در انتهای کلاس چیده شده است، اشاره می‌کنند.

قرار می‌دهد و در آسایش و پیشرفت وی نقش دارد.

مشارکت کودکان در امور آموزشی، به‌ویژه رعایت مقررات با توجه به سن و تعداد آن‌ها، حائز اهمیت است. برای ایجاد و تقویت روحیه مشارکت در کودکان، محیط آموزشی باید ماهیتی مثبت، پذیرا و غیرتهدیدآمیز داشته باشد.

به‌وجود آمدن چنین فضایی در کلاس به یکی شدن طرح‌ریزی مربی - کودک نیاز دارد. اگر با کودکان درباره فعالیتی که می‌خواهیم انجام دهیم مشورت کنیم، نسبت به فعالیت مورد نظر نگرشی کاملاً متفاوت پیدا خواهند کرد. آن‌ها در چنین شرایطی احساس می‌کنند که شخصاً درگیر شده‌اند و خود را در برابر موفقیت یا شکست مسئول و متعهد می‌دانند. مربی باید با جلب و پذیرش این مشارکت، مسئولیت اجرای طرح را با کودکان تقسیم کند.

● آیا شما قادر به تقسیم وظایف خود با کودکانتان هستید؟

در حین تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها کودکان را حمایت کنید و مورد تأیید قرار دهید. در چنین جوی، کودکان باید محدودیت‌هایی را که طبق خط‌مشی‌های توافقی خودشان (کودکان - مربی) بر آن‌ها و مربی اعمال می‌شود، درک کنند. کودکان خردسال همان‌طور که در جامعه‌ای رشد می‌کنند به خاطر قوانین مورد نیاز زندگی گروهی ناچارند از بسیاری تمایلات و خواست‌های شخصی خود چشم‌پوشی کنند. هر محیط آموزشی قوانینی دارد که باید از آن‌ها اطاعت کرد. اگر با کودکان درباره وظایف، مسئولیت‌ها و قوانین صحبت شود و آن‌ها شیوه‌های انضباطی را درک کنند و با این شیوه‌ها ارتباط بگیرند، به آن‌ها احترام بیشتری خواهند گذاشت.



مراحل تدوین طرح انضباطی:

۱ بحث و گفت‌وگو در مورد رفتارهای قابل قبول و غیر قابل قبول

بکوشید از نظراتی استفاده کنید که در مورد بیشتر کودکان، اکثر مواقع و در بیشتر شرایط و موقعیت‌ها صدق کند. واقعیت این است که در مورد مشکلات فضای آموزشی، راه حلی جهان‌شمول وجود ندارد و تعداد قانون‌های ما در این باره بسیار اندک است.

۲ رفتارهای قابل قبول و غیر قابل قبول

مربیان باید در این مرحله ترتیب رفتارهای قابل قبول و غیر قابل قبول را با توجه به اولویت‌های آن‌ها، روی مقوایی بنویسند و آن را روی تابلویی نصب کنند که قابل دیدن باشد. البته مربیان باید این قوانین همه‌پرسی شده را برای کودکان پیش‌دبستانی که سواد خواندن ندارند تصویرسازی کنند تا جذابیت لازم را برای کودکان داشته باشند و توجه آنان را جلب کنند. و هر روز بعد از سلام و احوال‌پرسی با کودکان قوانین طراحی شده را مرور کنند.

۳ تعیین محدودیت‌ها

تعیین محدودیت برای کودکان شکلی از آموزش انضباط است. آموزش کارهای روزمره زندگی به کودکان جزء اصول مقدماتی محسوب می‌شود. هر گاه مربی کودکان را ترغیب می‌کند که دست‌هایشان را قبل از خوردن خوراکی بشویند، تکالیفشان را در زمان تعیین شده انجام دهند و برای استفاده از وسایل کودک دیگر اجازه بگیرند یا وقتی به آن‌ها کمک می‌کند بفهمند که نظافت کلاس مسئولیت مشترک اعضای گروه است و غیره، درواقع، به آن‌ها انضباط را آموزش می‌دهد. انضباط در این شکل به معنای آموزش دادن این نکته به کودک است که در زندگی قوانین مشخصی وجود دارد که انسان با آن‌ها زندگی می‌کند و

اینکه از کودک انتظار می‌رود با این قوانین انس بگیرد و آن‌ها را از آن خود بداند. هدفی که همواره باید مدنظر قرار گیرد، این است که آموزش روزانه کودکان حرکتی به سوی خودانضباطی و خودرهبی است.

۴ نظام ترغیب

در حالی که اعمال محدودیت‌ها این امکان را به مربی می‌دهد که با استفاده از فنون مختلف، بدرفتاری کودکان را متوقف کند، نظام ترغیب فرایندی است که به کودک انگیزه می‌دهد که بر رفتارهای قابل قبولش بیفزاید یا رفتارهای جدیدی را فراگیرد؛ مانند انجام دادن فعالیت‌های آموزشی یا مراقبت کردن از وسایل شخصی

۵ نظام تقویت‌کننده‌ها (مشوق‌ها)

نظام مشوق‌ها مربیان را آگاه می‌سازد که چه چیزهایی به کودکان انگیزه می‌دهد که درست رفتار کنند و براساس همین دانش باید عمل کنند. تقویت‌کننده‌های طبیعی و غیرشرطی تقویت‌کننده‌های اولیه هستند که خوشایند حواس پنجگانه‌اند (دیدن شخصیت مورد علاقه، صدای مادر، مزه یا بوی غذا، و...) این تقویت‌کننده‌ها برای نیازهای اساسی و پایه کودک و تجربه‌های زندگی ضروری هستند. آن‌ها لذت را برای کودکان تأمین می‌کنند و تقویت‌کننده‌های مؤثر و قدرتمندی هستند. تقویت‌کننده‌های خوراکی مانند آب‌میوه و بستنی و تقویت‌کننده‌های حسی مانند دسترسی به تجارب تصویری (ترکیب رنگ‌ها)، لمسی، بساوایی، بویایی، تجارب حرکتی و ... نیز از تقویت‌کننده‌های اولیه محسوب می‌شوند.

● تقویت‌کننده‌های ثانویه شامل موارد زیرند:

تقویت‌کننده‌های ملموس، مانند عکس برگردان، ستاره، کارت صدآفرین و مهر تشویق؛ تقویت‌کننده‌های امتیازی، مانند فرصت

یک مربی مجرب
به منظور تهیه طرح
انضباطی باید در
شروع هر آموزش
به کمک کودکان،
مقرراتی را آماده کند
که کودکان همیشه
آن‌ها را رعایت کنند

استفاده از اسباب‌بازی خاص به‌عنوان نفر اول؛ تقویت‌کننده‌های فعالیتی، مانند کمک کردن در توزیع توپ‌ها؛ و تقویت‌کننده‌های اجتماعی، مانند رهبری فعالیتی در گروه.

تقویت‌کننده‌های ثانویه برای کودک حیاتی نیستند. در مراحل اول، ممکن است او گرایش کمی به آن‌ها داشته باشد. ارزشی که کودک برای این‌گونه تقویت‌کننده‌ها قائل می‌شود، اکتسابی است و ذاتی نیست.

۶ امتیازدهی

نظام امتیازدهی عبارت است از یک سیستم مبادله که متضمن کسب تقویت‌کننده‌های اولیه و ثانویه برای رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول کودکان است. مربی باید از مجموعه تقویت‌کننده‌های مورد درخواست و توافق مربی - کودک بهره برد. نمایش امتیازات در جایی که برای همه قابل رؤیت باشد، توصیه می‌شود.

اگر رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول به وسیله تلاش‌های دسته‌جمعی کودکان تدوین گردند، نه تنها به کودکان فرصت درک قوانین جامعه داده می‌شود بلکه آن‌ها احترام و فرمانبرداری را بهتر رعایت می‌کنند. گفت‌وگو درباره موضوعاتی مانند قرض گرفتن وسایل شخصی دیگران، استفاده از وسایل بازی دیگران، بازی با کودکان دیگر، آداب آب خوردن و قوانین بازی کردن به‌طور کلی و در حیطه مرکز و کمک گرفتن از کودکان دیگر همه بخشی از آموزش انضباط هستند.

۷ پیروی از دستورها

پیروی از دستورات این امکان را برای کودک فراهم می‌کند که از فعالیت‌های جاری و انتظاراتی که از او می‌رود، تصویر روشنی داشته باشد و همچنین، به عواقب رفتار خوب و بد خود دقیق‌تر بیندیشد.

همواره خوشحال‌کننده خواهد بود که ببینیم کودکان مشغول

کارند و همه می‌دانند که چه کاری را و چه موقع انجام دهند. دستورها باید در قالب عبارت‌های ساده رفتارهایی را که از کودک طلب می‌شود و نوع تقویت‌کننده‌ها برای اجابت آن رفتارها (قابل قبول و غیرقابل قبول) را بیان کنند. دستورها نباید حاوی تقاضاهای افراطی باشند یا شرایطی را تحمیل کنند که نمی‌توان از کودک در کلاس انتظار داشت. کودک باید از کمیت و کیفیت انتظاراتی که مربی در طرح انضباطی معین شده مورد داوری قرار می‌دهد، مطلع باشد. همچنین، باید از همان تقویتی که در طرح انضباطی از آن یاد شده است، بهره‌مند گردند.

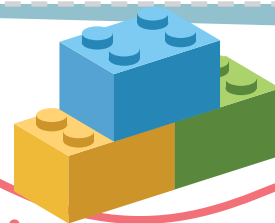
از طرح انضباطی به‌عنوان یک تهدید استفاده نکنید بلکه از آن به‌عنوان یک پیمان بین دو طرف بهره ببرید. طرح انضباطی باید به‌عنوان پیمانی در باب اهداف تلقی شود نه وسیله‌ای برای کسب برتری بر کودک. در صورتی که عبارت‌های طرح انضباطی بعد از مدتی ناکارآمد به نظر آیند، مربی باید به تجدید نظر در آن بپردازد.

منابع

۱. بت ریس اس. فینی مور. مدیریت کلاس درس مبتنی بر دانش آموزشی. (ترجمه، دکتر کیانوش هاشمیان، ۱۳۸۱)، نشر، دانشگاه الزهراء.
۲. پیتر، کله، لونا، چان. روش‌ها و راهبردها در تعلیم و تربیت کودکان استثنایی. (ترجمه، فرهاد ماهر، ۱۳۷۲) نشر، قومس.
۳. روبرت تی. تابر. الفبای مدیریت کلاس درس. (ترجمه دکتر محمد رضا سرکارآرانی، چاپ سوم ۱۳۸۱)، انتشارات مدرسه برهان.
۴. رادلف درایکورس. برنیس برونی گرونوالد. فلوئی چایلدرز پیر (۱۹۷۲). فنون مدیریت کلاسی. (ترجمه، دکتر حمید علیزاده و علیرضا روحی، ۱۳۸۸) تهران. نشر دانژه.
۵. مریم پورسلطانی و دیگران. (۱۳۹۰). الگوهای برتر تدریس در آموزش و پرورش استثنایی (با نیاز ویژه). تهران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.
۶. ولفانگ، چارلز. حل مشکلات انضباطی و مدیریت کلاس. (ترجمه، ساسان اسدیپور، احمد رضانی، ۱۳۸۹). تهران. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.



از طرح انضباطی
به‌عنوان یک تهدید
استفاده نکنید
بلکه از آن به‌عنوان
یک پیمان بین دو
طرف بهره ببرید.
طرح انضباطی باید
به‌عنوان پیمانی در
باب اهداف تلقی
شود نه وسیله‌ای
برای کسب برتری بر
کودک





قرآن، نقشه راه منظومه رشد

رویکرد قرآن بنیان به تربیت - بخش اول

سمیه رضائی پور

با توجه به پراکندگی‌ها در حوزه مطالعاتی و اجرایی دوره پیش دبستان در کشور،

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌عنوان متولی طراحی و تدوین برنامه‌های آموزشی و پرورشی در اقدامی به منظور هم‌افزایی و بهره‌مندی هر چه بیشتر از ظرفیت‌ها و تلاش‌های انجام شده در حوزه آموزش و پرورش پیش از دبستان، با دعوت از پژوهشگران حوزه مطالعات کودکی در مجموعه نشست‌هایی، سعی در تدوین سند جامع برای حوزه بنیادین پیش از دبستان دارد.

احمد رضا اخوت

احمد رضا اخوت، استاد دانشگاه تهران و عضو ارشد گروه آموزشی مدرسه دانشجویی قرآن و عترت این دانشگاه و خانم دکتر فیاض، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س) از جمله کسانی هستند که طی سال‌ها مطالعه و قرآن‌پژوهی، با معرفی این کتاب آسمانی زنده و سیال به‌عنوان سند ارائه‌دهنده کارآمدترین و پویاترین روش‌های سبک زندگی، به موضوع کودک و تربیت او از منظر قرآنی ورود پیدا کرده‌اند و آن‌طور که خود می‌گویند، متخصص حوزه کودک نیستند اما دغدغه تربیت کودک به شکل اسلامی و ایرانی مبتنی بر تفکر قرآن کریم و روایات اهل بیت - علیهم‌السلام - سبب شده است که با مطالعات فراوان و بهره‌مندی از آرای صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و روان‌شناسان کودک و نوجوان، در این زمینه دارای آثاری چند باشند.

استاد اخوت در کتابی به نام «سند بایسته‌های تربیت کودک طیب» از زیرمجموعه سند خانواده و سند تعلیم و تزکیه، با



همراهی مریم ادیب و دکتر فاطمه فیاض نتایج پژوهش‌های خود را در این زمینه در اختیار مخاطبان قرار داده است. به همین منظور، دفتر پیش دبستانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، نشستی را با حضور ایشان و حجت‌الاسلام والمسلمین صدوقی، سرپرست سابق مدیریت طراحی و تولید بسته‌های یادگیری دوره عمومی و متوسطه نظری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، خانم دکتر نجفی پازوکی معاون دوره ابتدایی، و مسعود تهرانی فرجاد، مدیر گروه پیش دبستانی این سازمان ترتیب داد تا ضمن استماع نظر این پژوهشگر و مؤلف، چگونگی بهره‌مندی او از نتایج به دست آمده را در تدوین دستورالعمل راهنمای دوره پیش دبستان جویا شود. مسعود تهرانی فرجاد، در این نشست با تأکید بر اهمیت آموزش‌های پیش از دبستان گفت: «با فراز و نشیب‌های آموزش پیش دبستانی در کل کشور، تلاش ما بر این است که با استفاده از نظریات پژوهشگران و تدوین سند آموزش‌های پیش دبستانی، انسجام و وحدت رویه ایجاد کنیم.»

وی با بیان اینکه مطالبات جامعه و فضای نظام تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که باید بسیار جدی و بنیادی اما بی‌درنگ و اثربخش و حتی فراتر از دوره پیش دبستانی برای مطالبات امروز و آینده جامعه‌مان برنامه داشته باشیم، تأکید کرد: «تحول بنیادین از بنیادی‌ترین دوره تربیت نوزادان، یعنی آوان کودکی یا همان





جامعه ایجاد کنید که شاکله

پیش دبستانی و مهدهای کودک ما

مبتنی بر متون مورد توجه شما شکل گیرد؟»

وی ادامه داد: «متأسفانه برخی از پدران و مادران به این معتقدند که برای جاری کردن تربیت باید از تربیت مبتنی بر آموزه‌های دینی فاصله گرفت و خود را با تربیت دنیای مدرن منطبق کرد. شما چطور می‌توانید این انگیزه را در آن‌ها ایجاد کنید که در مهدهای کودک و مراکز پیش دبستانی مجذوب روش تربیتی شما که منطبق بر گزاره‌های قرآنی است، شوند؟» صدوقی اظهار داشت: «البته ممکن است شما بگویید که چون ما براساس فطرت عمل می‌کنیم، والدین استقبال می‌کنند اما به عقیده من این جواب در عین خوب بودن، اجمالی است. ضمن اینکه شما چه نسبت و رابطه‌ای بین این متون و اسناد تحولی آموزش و پرورش می‌بینید؟»

طراحی منظومه رشد با تدبیر در قرآن

احمد رضا اخوت، مؤلف و پژوهشگر حوزه تربیت از منظر قرآن در تبیین دیدگاه خود گفت: «اصل موضوعی‌ای که ما را به مباحث در حوزه تربیت کودک کشاند، بحث «تدبیر در قرآن» بود. رویکرد ما این است که اگر قرار است قرآن مصلح زندگی باشد، باید باورمان را نسبت به این کتاب اصلاح کنیم. ما تاکنون کتاب‌های متعددی در بحث روش‌ها و گام‌های تدبیر در قرآن نوشته و در پی یافتن پاسخ به این سؤال بوده‌ایم که آیا تدبیر در قرآن می‌تواند مسائل مبتلایه جامعه را حل کند و آیا شیوه‌های

سنن پیش دبستانی آغاز می‌شود. به همین دلیل، بر گفت‌وگو با کارشناسان و فعالان مرتبط با آموزش‌های پیش از دبستان تأکید داریم. البته بیان این نکته ضروری است که از اردیبهشت ماه سال جاری این وظیفه به‌طور مشخص به آموزش و پرورش سپرده شد و سازمان بهزیستی هم مکلف به همراهی با برنامه آموزش و پرورش است.»

تهرانی فرجاد ادامه داد: «شورای راهبری پیش از دبستان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با ایجاد چند کارگروه در حال بررسی دیدگاه‌های مختلف است، که یکی از دیدگاه‌های شاخص، مطالعات آقای اخوت و همکاران او در دانشگاه تهران است. این عزیزان با تعبیر «منظومه رشد» از قبل از تولد تا رشد در این زمینه سنن بالا به‌ویژه در ۷ سال اول دارای برنامه هستند. به همین منظور در نشست‌هایی سعی داریم از نظراتشان در تدوین سند آموزش‌های پیش از دبستان بهره‌مند شویم.»

در ادامه، حجت‌الاسلام صدوقی با بیان این مسئله که اکنون این ذهنیت در اکثر مربیان و کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند وجود دارد که باید در حوزه تربیت کودک با دیدگاه‌های دنیای غرب و دنیای مدرن فقط ارتباط برقرار کنیم نه با آیات و روایات قرآنی، گفت: «شما با توجه به واقعیت‌های جامعه چه تمهیدی را در نظر دارید که به استناد آن بتوانید انگیزشی را در



استاد اخوت در کتابی به نام «سند بایسته‌های تربیت کودک طیب» با همراهی مریم ادیب و دکتر فاطمه فیاض نتایج پژوهش‌های خود را در این زمینه در اختیار مخاطبان قرار داده است



تدبیر کارایی لازم را دارند یا خیر. لذا در موضوعاتی از جمله حوزه «رشد» ورود پیدا کردیم؛ از این منظر که اقتضائات سنی انسان به چه صورت است و در هر دوره‌ای باید چه خوراکی به انسان داده شود. به همین منظور، منظومه رشد در حدود ۳۰ کتاب طراحی شده است.»

کنار نمی‌گذاریم بلکه در پی جمع کردن و جذب آن‌ها هستیم. در خصوص رابطه ما با سند تحول و پرورش باید گفت این رابطه کاملاً وحدت‌بخش است.»

مسعود تهرانی فرجاد عنصر وحدت‌بخشی را که اخوت از آن صحبت کرد به سنت حسنه پیامبر مکرم اسلام (ص) تشبیه کرد و گفت: «پیامبر اکرم (ص) هم وقتی به پیامبری برگزیده شدند، سنت‌های پسندیده را کنار نگذاشتند و در همان بستر، اسلام و ارزش‌های آن را بنیان نهادند.»

طراحی دروس بر پایه آموزه‌های قرآن

اخوت در ادامه با تأکید بر اینکه از منظر تدبیر در قرآن، خیلی سریع‌تر می‌توانیم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را اجرا کنیم و از این‌رو هیچ‌گونه اختلاف بنیادی با متخصصان این حوزه نداریم، گفت: «ما در برخی از مدارس، دروس را با پایه قرآن طراحی کردیم؛ یعنی ما به‌ازای آیات و روایات را در هر یک از مباحث دروس پیدا و ارائه نمودیم؛ به این ترتیب که مفاهیم درسی را با مفاهیم قرآنی در سوره‌ها انطباق دادیم. حتی معلمان ما با استفاده از روش تدبیر قرآنی، بازی‌های ریاضی را طراحی کردند.»

وی در پاسخ به سؤال تهرانی فرجاد درباره سابقه اجرای طرح منظومه رشد در مناطق و مدارس آموزش و پرورش گفت: «از چهار سال پیش این کار با درخواست مدیران مدارس منطقه ۱۴ آموزش و پرورش با هدف عملیاتی کردن سند تحول و آموزش و پرورش با محوریت قرآن شکل گرفت. به این منظور، منظومه رشد را با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انطباق دادیم و همه عناصر آن را هم دیده‌ایم. سند تعلیم و تربیت روزآمد شده منظومه رشد را هم با توجه به همین تجربه و سابقه برای هر سنی تهیه کردیم.»

وی ادامه داد: «همواره از دغدغه‌های ما این بوده است که نظامی طراحی کنیم که با توجه به مسائل روز، همیشه کارآمد باشد. این نتیجه فقط با قرآن و روایات به دست می‌آید. البته بیان این نکته ضروری است که این طرح فقط به ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی نمی‌پردازد بلکه به دیگر ابعاد تربیت کودک نیز توجه دارد؛ یعنی با استفاده از اصلاح «خوب» خود فرد با توجه به نظام فکری‌اش برای او نسخه می‌پیچیم. در واقع، سر قرآن همین است که «خوب‌تر» خود را جایگزین «خوب» نظام فکری فرد می‌کند.»

بخش دوم این گفت‌وگو مربوط به تبیین منظومه رشد توسط خانم دکتر فیاض است که با توجه به حجم مطالب، آن‌شاءالله در شماره بعدی ارائه خواهد شد.

وی ادامه داد: «سؤال

اصلی ما این بود که آیا قرآن می‌تواند نظر ساعدی (به معنای مساعدت‌کننده و مددکار) نسبت به مشکلات جامعه انسانی داشته باشد که با توجه به آن مثلاً یک فیلم‌ساز بتواند فیلم بسازد یا یک طراح برنامه آموزشی و پرورشی بتواند طراحی کند یا در حوزه حاکمیت بتوان مبنای حکومت را با استفاده از آن پایه‌ریزی کرد.»

این پژوهشگر تصریح کرد: «در منظومه رشد، ما وارد دوره‌های کودکی، نوجوانی، جوانی و دیگر دوره‌ها شدیم. در واقع، هدف من از ورود به این حوزه‌ها نشان دادن این موضوع به متخصصان، مانند روان‌شناسانی که قرآن می‌خوانند، بود که می‌توان این حوزه‌ها را درجه‌بندی کرد، پرسش‌نامه تهیه کرد و می‌توان مباحث قرآن را عملیاتی کرد. البته به نظر می‌رسد که به حمدالله در این زمینه اثرگذار بوده‌ایم؛ چنان‌که گروه‌هایی در مدارس و مناطق آموزش و پرورش و در دانشگاه برای پایان‌نامه و رساله‌های دکتری این مباحث را دنبال می‌کنند.»

رابطه وحدت‌بخش با سند تحول بنیادین

اخوت افزود: «در خصوص سؤال آقای صدوقی درباره چندگانگی‌هایی مانند برخورد با اسناد بالادستی، عرف مذهبی، عرف علمی حاکم بر آموزش و پرورش و عرف مردمی باید بگویم کاری که ما انجام دادیم طرح این پرسش بود که آیا می‌توانیم با تدبیر در قرآن از دالان‌های مختلف عبور کنیم. برای من به‌شخصه جالب بود که قرآن جامع همه علوم است. اگر حرف علمی هر جایی هست، قرآن جامع آن‌هاست. ما با علم به این موضوع می‌توانیم برای هر پایه‌ای در آموزش مطابق با سند تحول و ساحت‌های یادگیری و تربیتی، خروجی ارائه کنیم. در واقع، ما با استفاده از منظر بالادستی قرآن این ساحت‌ها را ابزار خود قرار می‌دهیم. ما هرگز علما و متخصصان را در هیچ حوزه‌ای



در رویکرد منظومه رشد قرآن مصلح زندگی است و باید باورمان را نسبت به این کتاب اصلاح کنیم

تاریخ بیست ساله

مرتضی طاهری / عضو هیئت تحریریه



و کارشناسان با همکاری دفتر تکنولوژی آموزشی.

- تدوین، چاپ و انتشار پنج راهنمای ویژه مربی پیش دبستانی، راهنمای تولید محتوا، راهنمای آموزش قرآن، و راهنمای دوزبانه.
- تدوین، چاپ و انتشار چندین نمونه محتوای آموزشی برای کودکان با عناوین محیط زیست، ایران، مناسبت‌ها، بهداشت و ایمنی، محیط زیست و بسته آموزشی من و خدای مهربان (کتاب کار، لوح و ...).
- هدایت و نظارت و بررسی تولیدات استانی برای تولید بیش از دویست جلد کتاب کار کودک و راهنمای مربی توسط استان‌ها.



گروه پیش دبستانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در نظر دارد گزارشی مستند از تلاش بیست ساله همکاران گروه را در قالب کتابچه‌ای گردآوری کند و برای بهره‌مندی از تجارب تلخ و شیرین آنان منتشر سازد. در این صفحه رئوس برخی از محورهای این تاریخچه را ملاحظه می‌فرمایید.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ خورشیدی اقدامات و خدماتی به شرح زیر در این گروه پژوهشی صورت گرفته است:

- برگزاری نشست‌های علمی و آموزشی متعدد با حضور استادان رشته‌های تخصصی و کارشناسان و مؤلفان استان‌ها که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:
- دوره توجیهی فراگیر و چند روزه ۱۳۷۹ - تنکابن؛
- دوره توجیهی و برگزاری نمایشگاه نمونه تولیدات ۱۳۸۲ - مرکز تربیت معلم نسیمه تهران؛
- دوره توجیهی سه روزه برای کارشناسان عمومی و قرآن و دوزبانه ۱۳۸۶ - مرکز تربیت معلم آرام؛
- دوره توجیهی دو روزه تدوین شیوه‌نامه جدید تولید ۱۳۸۹ - مرکز تربیت معلم نسیمه؛
- دوره‌های تولید محتوا ویژه همه استان‌ها به صورت قطبی در سال ۱۳۹۰ - در پنج استان: تهران - کردستان - اصفهان - خراسان رضوی و کرمان؛
- دوره‌های مقطعی در استان‌ها و مراکز ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹.
- تدوین راهنمای برنامه آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستانی و تصویب آن در شورای عالی آموزش و پرورش.
- تأسیس فصلنامه پیش دبستانی برای مربیان و اولیای کودکان

پرورش اخلاق در نمایش خلاق

● کبری مال میر / مدرس و پژوهشگر در حوزه نمایش خلاق

اشاره

نیاز به بیان، نیازی طبیعی و اساسی برای روان انسان است. هنر ابزار مناسبی برای این بیان است و می‌تواند در نگرش کودکان نسبت به اطرافشان تحولی منطقی به وجود بیاورد. کودکان با انجام دادن فعالیت‌های هنری، دنیای درونی خود را آشکار می‌سازند، محیط اطرافشان را می‌شناسند، با آن ارتباط برقرار می‌کنند و دریافتی را که از جهان دارند نشان می‌دهند.

بازی کردن برای کودکان امری فطری است و در اکثر بازی‌های آنان، ایفای نقش دیده می‌شود. کودکان به‌طور ذاتی استعداد نمایش دادن دارند. در فعالیت نمایش خلاق هم از این استعداد ویژه و ذاتی کودک استفاده می‌شود.

به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان، همدلی و نقش بازی کردن از فرایندهای اصلی شناخت اجتماعی، کنش متقابل و ارتباط است. صاحب‌نظران اخلاق را وسیله‌ای برای رشد اجتماعی به حساب آورده‌اند و رشد اخلاقی را از مسائل عمده و مهم تکامل اجتماعی دانسته‌اند.

در مقاله حاضر، شکل‌گیری اخلاق در کودکان پیش‌دبستانی از طریق آموزش نمایش خلاق بررسی می‌شود. بین دو متغیر «شکل‌گیری اخلاق» و «نمایش خلاق» تشابهاتی وجود دارد که نگارنده را بر آن داشت تا این نقاط تلاقی را مورد توجه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، آموزش اخلاق، نمایش خلاق

خانواده، مدرسه و اجتماع، قواعد اخلاقی را که براساس اصول عدالت و در نظر گرفتن حقوق دیگران قرار دارد، آموزش می‌دهند اما چگونگی شکل‌گیری و میزان تمایل درونی کودکان به پیروی از قواعد اخلاقی، طی مراحل رشد متفاوت است.

افراد مفاهیم اخلاقی را در موقعیت‌ها و زمینه‌های خاص به‌صورت انعطاف‌پذیری به‌کار می‌برند. هنگام اتخاذ تصمیم و در نتیجه‌گیری‌ها، با در نظر گرفتن ویژگی‌های هر موقعیت، ملاحظات مختلفی را می‌سنجند و با توجه به درجه اهمیت و اولویت، آن‌ها را مقایسه می‌کنند. کودکان در سنین پایین شروع به قضاوت‌هایی می‌کنند که مستلزم تمایز گذاردن میان حوزه‌های مختلف در تعاملات اجتماعی است.

در آموزش اخلاقی، مربی شرایط مناسب را آماده می‌سازد تا کودکان فرصتی برای اختیار و انتخاب داشته باشند. درواقع، آموزش اخلاقی مجموعه اعمال یا تأثیرات عمومی هدف‌دار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی) به منظور ایجاد صفات (اخلاقی و عملی) و نیز فراهم کردن زمینه به فعلیت رساندن و شکوفایی استعدادهای فردی در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف مطلوب، براساس برنامه‌ای سنجیده است.

موارد بسیاری از این آموزش اخلاقی را می‌توان در فرایند نمایش خلاق تجربه کرد. گرچه فعالیت نمایش خلاق بیشتر جنبه تربیتی و آموزشی دارد تا درمانی؛ مگر آنکه مربی تخصص ویژه‌ای در درمان روان‌شناختی داشته باشد و این تجربه را با هدف رفتاری خاص در کلاس با کودکان انجام بدهد.



● نمایش خلاق فرصتی برای تربیت

نمایش خلاق نوعی نمایش غیررسمی نظام‌مند فرایندمحور با گرایش آموزشی و پرورشی است که به صورت گروهی انجام می‌شود. این نمایش بر پایه مجموعه‌ای از بازی‌ها و تمرین‌های نوآورانه متناسب با زمان و مکان و شرایط شرکت‌کنندگان شکل می‌گیرد؛ مستقیماً ربطی به اجرا برای تماشاگران ندارد و مربی در آن تسهیلگر فرایند خلاقیت است.

در نمایش خلاق علاوه بر ارتباط غیر کلامی، که از طریق حرکات صورت می‌گیرد، ارتباط کلامی شرکت‌کنندگان نیز مورد توجه واقع می‌شود. مربی از آن‌ها می‌خواهد انواع نقش‌ها و موقعیت‌ها را تجربه کنند؛ نیز به آنان کمک می‌کند که در بحث و گفت‌وگوها شرکت کنند و موقعیت‌هایی را خلق نمایند. شرکت‌کنندگان در داستانی ساختگی درگیر حوادثی می‌شوند و بر یکدیگر تأثیرات متقابلی می‌گذارند تا در وضعیت‌های بحرانی تصمیم‌گیری نمایند. در این فرایند، کودکان به کار گروهی دعوت می‌شوند. آنان همکاری و مشارکت با یکدیگر را در تمام مراحل فعالیت تجربه می‌کنند و تجربه مفید بودن در یک گروه و لذت حاصل از آن را در می‌یابند؛ جهانی نو می‌آفرینند، در آن گام می‌گذارند و بخشی از آن می‌شوند.

کودکان خوب دیدن، خوب شنیدن و خوب عمل کردن را تجربه می‌کنند. از تمام حواس پنج‌گانه شرکت‌کنندگان کمک گرفته می‌شود و مراحل کار، تمرینی برای شناخت، تقویت و چگونگی کاربرد این حواس است.

چنانچه در این فرایند مربی در کنار کودکان همراهی مناسبی داشته باشد می‌توان به استناد موارد ذکر شده در زیر، به رشد اخلاقی رسید. رشد اخلاقی اساساً بر رشد کلی‌تر و عام‌تر انسان یعنی رشد زیستی، رشد شناختی و رشد عاطفی مبتنی است و در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت کسی به بلوغ اخلاقی رسیده است که:

- توانایی تفکر درباره خود و تصمیم‌گیری را داشته باشد.
- در رابطه با دیگران، احساسی مناسب داشته باشد و بداند که چگونه در موقعیت‌های مختلف به روش‌های عاطفی مناسب و صحیح پاسخ دهد.
- درجه بالایی از خودکنترلی داشته باشد و قادر به نشان دادن رفتار مناسب باشد.
- توان فراگیری رفتار در موقعیت‌های مشابه و یکسان را در خود ایجاد کند و دارای شخصیت واحد باشد.

● اخلاق و ارزش‌های اخلاق

روابط اخلاقی کودک در پرتو ارتباط با دیگران، مثل خانواده و دوستان، از طریق تشویق یا تنبیه شدن برای انجام دادن کارهای درست و غلط رشد می‌کند.

مقیاس صلاحیت اخلاقی نشان‌دهنده ارزش رفتارهای اخلاقی افراد است. در تحلیل‌های لنینکوکیل (۲۰۰۵) ده عامل برای این مقیاس شناسایی شد که عبارت بودند از:

۱. مداومت در اقدام براساس اصول، ارزش‌ها و اعتقادات
۲. راستگویی
۳. ایستادگی بر آنچه درست است
۴. وفا به عهد
۵. به عهده گرفتن مسئولیت انتخاب‌های شخصی
۶. اعتراف به اشتباهات و شکست‌ها
۷. قبول مسئولیت خدمت به دیگران
۸. مراقبت فعالانه از دیگران
۹. توانایی اعتراف به اشتباهات خود
۱۰. توانایی قبول اشتباهات دیگران

در میان مقیاس‌های بالا، موارد ۳، ۵، ۶ را می‌توان در فرایند نمایش خلاق برای کودکان پیش از دبستان تجربه کرد. در این فرایند، مربی به کودکان کمک می‌کند که به‌طور آگاهانه روی رفتارها و تصمیمات خود کنترل داشته باشند. کودکان از طریق انجام دادن تمرین‌های بازی‌سازی، بازی‌های نمایشی (موقعیت‌های نمایشی)، شخصیت‌پردازی و قصه‌سازی تصمیم‌گیری و انتخاب صحیح را تجربه می‌کنند؛ به این ترتیب که با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شوند و در قالب نقش‌هایی با مربی و دیگر کودکان آن مشکل را حل و تمام راه‌حل‌ها را در هنگام به کارگیری، بررسی و تحلیل می‌کنند. چه‌بسا بتوان افرادی را آموزش داد تا متفکرانی مؤثرتر و هوشمندتر شوند.

در فرایند نمایش خلاق، برد و باخت و قضاوت ارزشی مبنی بر بد یا خوب بودن کار کودکان وجود ندارد. به همین دلیل، آن‌ها با آرامش و بدون ترس از قضاوت به مشارکت گروهی می‌پردازند و همچنین بحث و گفت‌وگو، ارزیابی و نقد سالم را تجربه می‌کنند. اگر مربی این ارزیابی را به شیوه صحیحی

تعریف کند، تأثیر آن حتی در سایر مراحل زندگی کودکان هم دیده می‌شود. آنان یاد می‌گیرند که چگونه به حرف‌های افراد گروه گوش دهند و وسط صحبت‌هایشان نپرند؛ مگر در لحظات ضروری و برای کمک به مشکلات هم گروهی‌شان، برای اینکه پیشنهادهایشان را بگویند.

نمایش خلاق موجب گسترش بینش شرکت‌کنندگان می‌شود تا توانایی‌های بالقوه‌شان را به فعل در آورند؛ باعث می‌شود خود را بشناسند، به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرند و از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حرکتی و بیانی خود آگاه باشند. در این آزمایشگاه، شرکت‌کنندگان بحران‌ها را می‌آزمایند، نگرش‌ها و توانایی‌های خود را محک می‌زنند، زندگی را در محیطی امن تمرین می‌کنند و به‌طور فوری الیاده به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. کودکان می‌آموزند که برای مشکلات خود راه‌حل پیدا کنند.

در جریان نمایش خلاق شرکت همه کودکان در کنار مربی لازم و ضروری است. همه آن‌ها هم شرکت‌کننده، هم تماشاگر و هم اجراکننده هستند. احترام گذاشتن به نظر دیگران، دوری

● نمایش خلاق و پرورش اخلاق

اگر بخواهیم کودکان را برای چالش‌های آینده آماده کنیم، باید مهارت‌های ویژه‌ای را به آنان بیاموزیم تا بر آن اساس بتوانند بر زندگی و یادگیری خود مسلط شوند. شالوده مهارت‌های فکری باید از همان سال‌های اولیه زندگی پی‌ریزی شود؛ زیرا فراخواندیشی در همان سال‌هایی آغاز می‌شود که شخصیت کودک شکل می‌گیرد؛ یعنی زمانی که هویت او به‌عنوان یک شخص متفکر در حال شکل‌گیری است. برای رسیدن به چنین هدف‌هایی باید به کودکان فرصت داد تا خود و اندیشه‌هایشان را کشف کنند، ایده‌های خود را در قالب واژه‌ها بیان کنند، نظریات خویش را ارائه دهند و به توجیه باورهای خود بپردازند. آنان نیاز دارند که خود را به‌عنوان افرادی توانا، متفکر و با احساس کشف کنند

فرایند و برنامه‌های نمایش خلاق چنانچه خلّاقیت، عملکرد و ایجاد چالش را برای کودکان پیش از دبستان داشته باشد، باعث رشد احساسات و شناخت توانایی‌هایشان می‌شود. در چنین حالتی، کودکان بازخورد هم‌کلاسی‌ها و همسالانشان را می‌بینند. همه آن‌ها این فرصت را دارند که درباره نقاط قوت و ضعف خود و همسالانشان به گفت‌وگو بپردازند و پیامدهای آن‌ها را مشاهده کنند و تشخیص دهند. در این فرایند، مباحث و مضامین به چالش کشیده می‌شود و کودکان را ترغیب می‌کند تا مواردی را که از آن‌ها خواسته شده است، به‌خوبی و در حد توانشان اجرا کنند و هم از یادگیری خود لذت ببرند و شاد باشند.

در فرایند نمایش خلاق، مهم نیست که شرکت‌کنندگان چقدر می‌اندیشند؛ چون این نوع نمایش آن‌ها را می‌دارد که به درک مشترکی از آنچه می‌سازند، برسند. آن‌ها اندیشه‌ها، احساسات و اعمالشان را برای یکدیگر بیان می‌کنند.

کودکان ارزش‌ها و اخلاقیاتی را با خود به کلاس می‌آورند و از آن‌ها در راه‌حل‌گزینی، تصمیم‌گیری و مهارت‌های



ارتباطی (غلط یا صحیح) استفاده می‌کنند. مربی و نباید کودکان را به‌طور مستقیم نقد کند و اشتباهات الگوهای خانوادگی را بگوید. در فرایند نمایش خلاق و در کنار مربی خلاق، کودکان این امکان را دارند که در اجرای موقعیت‌های نمایشی و بازی‌سازی‌ها، اشتباهات و ایرادات یکدیگر را در قالب نقش‌ها به هم بگویند و از هم ناراحت نمی‌شوند. در واقع، کودکان در کلاس نمایش خلاق می‌گویند که مایل‌اند چه چیزهایی را آموزش ببینند.

● سخن آخر

بیشتر تعلیم و تربیت اخلاقی، غیر مستقیم و تحت تأثیر الگوهای بیرونی جامعه و نیز هنجارهای اخلاقی پسندیده و درونی‌شده است. افراد ابتدا باید با پیروی از قوانین و سنت‌ها، رفتارهای شایسته را بیاموزند و نیز دلیل رعایت این قوانین به‌طور روشن و شفاف برای آنان بیان شود. اهمیت تأمل در فرصت‌هایی است که در اختیار کودکان قرار می‌دهد تا تجارب و احساسات خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و آن تجارب را به ارزش‌های اجتماعی و احساس خود پیوند بزنند. به این ترتیب، کودکان را در کشف پیوندهای خود با دیگران و حس مسئولیت‌پذیری و کارآمدی درگیر می‌کنند.

نمایش خلاق وسیله‌ای طبیعی برای بیان آزادانه ایده‌ها، احساسات و رفتارهاست. اساس نمایش خلاق تمرین‌هایی لذت‌بخش است که در آن مربی ضمن تشخیص توانایی‌ها و نیازهای شرکت‌کنندگان و به کمک خود آن‌ها، در قالب ایفای نقش، آموزش می‌دهد و سرگرم‌کنندگی و نشاط، یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر آن است.



پی‌نوشت

۱. نگرش عبارت است از حالت عاطفی مثبت یا منفی نسبت به یک موضوع. ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها، و آمادگی برای عمل به یک چیز معین، نگرش‌های شخص نسبت به یک موضوع اجتماعی است. هر نگرش، نوعی موضع‌گیری قبلی برای انجام دادن عمل مثبت یا منفی نسبت به اشخاص، اشیا و حوادث است و در تبدیل حالات روانی - عاطفی به حالات حرکتی نقش جهت‌دهنده را ایفا می‌کند.

منابع

۱. مالیر، کبری (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر نوع سبک اسنادی و چگونگی قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم دبستان منطقه ۶ آموزش و پرورش شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۲. مالیر و همکاران (در دست چاپ). نمایش خلاق برای مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۳. محمدعلی نادی، نزهت‌الزمان مشفق (۱۳۹۴). ساختار عاملی، روایی، پایایی و هنجاریابی سیاهه سنجش صلاحیت اخلاقی دبیران دوره متوسطه اول شهر اصفهان. رویکردهای نوین آموزشی. مقاله ۶ دوره ۱۰، شماره ۱، تابستان، صفحه ۸۳-۱۰۴.
۴. پیشینه و نظریات شخصیتی و ارزش‌های شخصی و قضاوت اخلاقی.
5. Larry Nucci, Michael W. Creane & Deborah W. Powers. Integrating moral and social development within middle school social studies: a social cognitive domain approach. Journal of Moral Education 44 (4): 479-496 (2015)
6. Larry Nucci, Synthesis of research on Moral Development, 2017
7. What IS Creative Drama? , Written by Administrator Gordon Hensley, 2010, Youth stages.com. why use creative drama....
8. THE INTEGRATION OF CREATIVE DRAMA INTO SCIENCE TEACHINGT, by BRACHA (BARI) ARIELI, 2007
9. Creative Dramatics--An Art For Children, Jed H. Davis and Tom Arts Education For Children Behm, 1978, AND BEYOND, Nellie McCaslin, New CREATIVE DRAMA IN THE CLASSROOM. York University, Allyn & Bacon, 2006
10. Gonglewski, Alice. Jillian Finkle (2008). Creative Dramatics: A Practical Way to Promote Play. National childrens museum.
11. CREATIVE DRAMA IN THE CLASSROOM, grades 4-6, June Cottrell, 1987
12. Erbay, F., & Dogru, S.Y. (2010). The effectiveness of creative drama education on the teaching of social communication skills in mainstreamed students. Procedia Social and Behavioral Sciences, 2, 4475-4479.

نمایش

خلاق موجب

گسترش بینش

شرکت‌کنندگان

می‌شود تا

توانایی‌های

بالقوه‌شان را به

فعل در آورند؛

باعث می‌شود

خود را بشناسند،

به نقاط قوت و

ضعف خود پی ببرند

و از ظرفیت‌ها و

قابلیت‌های حرکتی

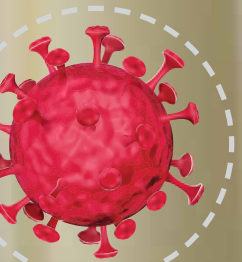
و بیانی خود آگاه

باشند

کرونا و کودکان پیش دبستانی

● دکتر سید علی خالقی نژاد

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش



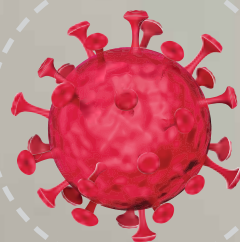
والدین که بیشترین تماس و ارتباط را با کودکان دارند، باید تلاش کنند که فضایی آرام و کم‌تنش در خانه برای کودکان آنان فراهم کنند و ترس از کرونا را به فوبیا تبدیل نکنند. آنان می‌توانند با تماس‌های تصویری و صوتی، کودکان را به سایر اعضای خانواده و فامیل وصل کنند و این حس را در آنان به وجود آورند که مورد حمایت والدین و سایر اعضای خانواده هستند. از آنجا که ممکن است کودکان مفاهیمی را که در تماس‌ها رد و بدل می‌شود درک نکنند، والدین می‌توانند درباره پیام‌ها با آنان صحبت کنند. همچنین، زمانی که کودکان در حال بازی‌های رایانه‌ای هستند، والدین لحظاتی در کنارشان بنشینند و با آن‌ها گفت‌وگو کنند. والدین باید عکس‌العمل‌های کودکان یا ناراحتی‌های آن‌ها را با صبوری و آرامش پاسخ دهند و دل‌آرامی را به آنان منتقل کنند؛ در طول روز زمانی را به بازی و استراحت کودک و قصه‌خوانی برای او اختصاص دهند. همچنین، برای کودکان ویدیوهای ورزشی پیدا کنند و آنان را به انجام دادن فعالیت‌های جنبشی و حرکتی تشویق کنند. در کنار این فعالیت‌ها، والدین نقش مهمی در آگاه‌سازی کودکان از ویروس کرونا نیز بازی می‌کنند. آن‌ها باید در آغاز درباره تصورات کودکان از ویروس کرونا بپرسند و کم‌کم در مورد چگونگی روبه‌رو شدن با کرونا با آنان صحبت کنند. درست شستن دست‌ها و نمالیدن آن‌ها به چشم‌ها و بینی و دهان، دست نزدن به سطوح

در ایران براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دوره پیش دبستانی کودکان ۴ تا ۶ ساله را در برمی‌گیرد. با شیوع کرونا و فراگیر شدن آن در سراسر جهان، سبک زندگی کودکان به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و ابهام‌ها و عدم قطعیت درباره مواجهه درست با این همه‌گیری، ذهن خیلی‌ها را درگیر کرده است. در ایران نیز با شیوع کرونا مراکز پیش دبستانی دولتی و غیردولتی تعطیل شدند و ارتباط کودکان با اعضای خانواده، همسالان، مربی، فامیل و آشنایان به حداقل ممکن رسید. به بیان ساده‌تر، کودکان ایرانی در چند ماه گذشته «ایزوله شدن اجتماعی» را با همه تلخی‌اش تجربه کرده‌اند.

پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند و تلاش بر این است که به آن‌ها پاسخ داده شود، عبارت‌اند از: چگونه باید نیازهای شناختی، اجتماعی، عاطفی، و جسمانی کودکان را در این برهه زمانی به نحوی مدیریت کرد که آسیب نبینند؟ در این باره، والدین چه کارهایی باید انجام دهند؟ سیاست‌گذاران آموزشی چه مسئولیتی دارند؟ مراکز پیش دبستانی چه فعالیت‌هایی باید انجام دهند؟



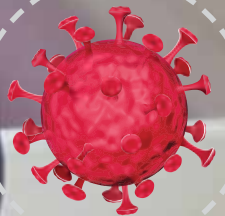
والدین که بیشترین تماس و ارتباط را با کودکان دارند، باید تلاش کنند که فضایی آرام و بدون تنش در خانه برای کودکان آنان فراهم کنند و ترس از کرونا را به فوبیا تبدیل نکنند



آلوده، استفاده از دستمال هنگام عطسه کردن، اجتناب از تماس نزدیک با دیگران با علائم کرونا (تب، سردرد، سرفه شدید، تنگی نفس، اختلال در بویایی و چشایی)، مواردی هستند که والدین می‌توانند درباره آن‌ها با کودکانشان صحبت کنند.

در سطح کلان، سیاست‌گذاران آموزشی باید مناطق بی‌خطر، کم‌خطر و پرخطر را از هم تفکیک کنند؛ در مناطق کم‌خطر همانند روستاهای کم‌جمعیت و عشایری برای آموزش کودکان پیش‌دبستانی در مدارس برنامه داشته باشند و برای مناطق کم‌خطر نیز در صورتی که بتوانند پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنند، امکان آموزش در فضای مدارس فراهم شود. در مناطق پرخطر باید از ظرفیت فضای مجازی استفاده کرد. البته فضای مجازی می‌تواند در مناطق کم‌خطر و بی‌خطر نیز مورد استفاده قرار گیرد. سیاست‌گذاران آموزشی می‌توانند از طریق سامانه شاد دوره‌های ویژه یا منابع آموزشی استاندارد را برای مربیان و والدین کودکان پیش‌دبستانی فراهم نمایند. در نهایت، تأمین منابع مالی لازم برای اجرای دستورالعمل‌های بهداشتی مقابله با بیماری کرونا مسئولیت سنگینی است که بر عهده سیاست‌گذاران آموزش و پرورش قرار دارد.

در مدارس و مراکز پیش‌دبستانی دولتی و غیردولتی نیز لازم است استانداردهایی در نظر گرفته شود و به‌صورت مداوم بر اجرای آن‌ها نظارت شود؛ از جمله، مربیان، کارکنان و مدیرانی که علائم کرونا دارند نباید در مراکز یاد شده حضور یابند، مواد ضدعفونی‌کننده و بهداشتی در دسترس همه باشد، کلاس‌های درس، حیاط، میز و صندلی‌ها و وسایل بازی به‌طور مداوم تمیز و ضدعفونی شوند، زباله‌های تولیدشده در مراکز آموزشی در زمانی معین خارج شوند، فضای کلاس‌ها بسته نباشد و تهویه به‌صورت مناسب انجام شود، فاصله فیزیکی رعایت گردد و به‌صورت مداوم به کودکان آموزش داده شود و بزرگسالان نیز بدون ماسک وارد مراکز آموزشی نشوند.





مشاوره



چند راهکار برای کنترل بدرفتاری کودک

دکتر بتول سبزه / استادیار دانشگاه فرهنگیان

اشاره

پدر و مادر اثر بخش بودن یکی از خطرناک‌ترین و مهم‌ترین وظایف والدین در زندگی است. علاوه بر نیازهای جسمانی کودکان که باید به نحو مؤثری از طرف والدین رسیدگی شود، نیازهای عاطفی آن‌ها نیز باید از طریق پرورش عواطف، تغییر شیوه زندگی و تربیت کودکان بر مبنای اصول برابری و احترام متقابل مدنظر قرار گیرد تا در نهایت به برقراری رابطه مؤثر بین والدین و کودکان کمک نماید.

کلیدواژه‌ها: بدرفتاری کودکان، والدین اثر بخش، فرزندپروری موفق

در خصوص منشاء رفتار کودکان عقاید مختلفی وجود دارد. بعضی معتقدند که اصولاً رفتار کودکان در نتیجه وراثت تعیین می‌شود و عده‌ای دیگر بر این باورند که رفتار کودکان متأثر از محیط اطراف آن‌هاست. براساس یافته‌های روان‌شناسان، کودکان مراحل رشدی مختلفی را طی می‌کنند و در هر مرحله از رشد دارای ویژگی‌های رفتاری متفاوتی هستند و لذا پیشرفت‌های مختلف کودکان براساس سنین کودکان قابل پیش‌بینی است. برای مثال اکثر والدین در مورد سنین و مراحل رشد کودکان خود عبارت‌های مشابهی را به یکدیگر می‌گویند. از قبیل: «همه بچه‌ها در این سن این‌گونه هستند» یا «ناراحت نباش از این سن که بگذرد رفتارهای تغییر می‌کند». علاوه بر این، اظهارنظرهای کلیشه‌ای در مورد رفتارهای خاص کودکان براساس جنسیت آن‌ها (دختر یا پسر بودن) شنیده می‌شود. کلیشه‌هایی نظیر «دخترها آرام و بامسئولیت هستند» یا «پسرها پرخاشگرتر



و فعال تر هستند». این اظهار نظرهای کلیشه‌ای در بعضی مواقع به قدری والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهند که اکثر آن‌ها انتظار دارند که دختران در کارها آن‌ها را همراهی کنند اما پسران حق دارند یاغی و تنبل باشند. در واقع عده زیادی از والدین دختران را تشویق می‌کنند که به مادرانشان در امور خانه کمک کنند اما انتظار چنین کمکی را از پسران ندارند.

اگرچه کودکان در مراحل از رشد، رفتارهای مختلف و بدرفتاری‌های گوناگونی را از خود نشان می‌دهند اما نباید این رفتارهای نامناسب را فقط براساس وراثت یا سن رشدی آن‌ها توجیه کرد و یا براساس کلیشه‌های مختلف متعادل شد و بدرفتاری‌های آن‌ها را پذیرفت.

مسئله اصلی در عدم درک کافی والدین از رفتارهای کودکانشان است. در واقع بسیاری از والدین باید آگاه باشند که بدرفتاری‌های کودکان آن‌ها فقط در نتیجه سن یا مرحله رشدی نیست و نباید آن‌ها را عادی تلقی کنند. هر کدام از رفتارهای کودکان اعم از رفتارهای مطلوب یا نامناسب و رفتارهای نامطلوب یا نامناسب دارای دلایل و مقاصد خاصی است.

دان دینک‌میر و گری مکی در کتاب «والدین مؤثر، فرزند مسئول» اذعان کرده‌اند که همه والدین می‌توانند با کاربرد دو روش ساده علت بدرفتاری در کودکان خود را کشف کنند:

۱. آگاه بودن از عکس‌العمل‌های خود در برابر بدرفتاری کودکانشان

۲. توجه به پاسخ‌های کودکان در برابر تلاش والدین در تصحیح رفتارهای آن‌ها

در ادامه به چهار هدف سوء رفتار یا بدرفتاری در کودکان پیش‌دبستانی اشاره می‌شود:

رادولف دریکورز، از روان‌شناسان برجسته، علت بدرفتاری کودکان را در سنین قبل از دبستان به چهار دسته اصلی تقسیم کرده است و هر یک از آن‌ها را با توجه به مقصود کودک و هدف آن‌ها توضیح داده است.

دلایل و اهداف اصلی کودکان از بدرفتاری

+ جلب توجه: اولین هدفی که دریکورز، درباره دلایل بدرفتاری کودکان به آن اشاره کرده است جلب توجه است. تمایل به جلب توجه تقریباً در همه کودکان دنیا مشترک است کودکان ترجیح می‌دهند به روش‌های مختلف جلب توجه کنند. برخی از این روش‌ها برای آن‌ها مفید و برخی غیرمفید است. از نظر دریکورز، کودکی که تصور می‌کند فقط از طریق جلب توجه می‌تواند تعلق خاطر یابد، طرق منفی را که منجر به فراموش شدن او می‌شود، ترجیح می‌دهد.

برای مثال کودکی که هنگام صحبت کردن یکی از والدین با تلفن، شروع به سروصدا می‌کند، در واقع هدف وی خواندن آواز نیست بلکه جلب توجه والدین به خود است.

کودکانی که با چنین رفتارهای نامطلوبی به دنبال جلب توجه والدین خود هستند احتمالاً چندین بار در طول روز کار خود را تکرار خواهند کرد. اگر والدین صرفاً ناراحت شوند یا از طریق تذکر و تمسخر بخواهند رفتار نامطلوب کودک را تصحیح کنند در واقع کودک توجهی را که مدنظرش بوده، جلب

کرده است و به هدف اصلی خود یعنی «جلب توجه» رسیده است و ممکن است در آینده نیز عمل‌های مشابهی را تکرار کند.

به منظور کمک به این کودکان، والدین باید پاسخ‌ها یا عکس‌العمل‌های خود را تغییر دهند و به کودکان خود نشان دهند که با روش‌های مناسب‌تر خواسته‌های خود را بیان کنند و با روش‌های نامناسب جلب توجه نکنند.

توجه به رفتارهای سازنده و مطلوب کودکان، یکی دیگر از شیوه‌های مؤثر در کاهش بدرفتاری چنین کودکانی است. به عبارت دیگر، والدین با نادیده گرفتن رفتارهای نامطلوب آن‌ها و یا با استفاده از روش‌هایی که کودکان انتظار ندارند، کاملاً به آن‌ها توجه نکنند. بنابراین زمان مناسب برای توجه کردن به کودک موقعی است که کودک انتظار آن را ندارد.

+ قدرت‌طلبی: دومین دلیل اصلی بدرفتاری در کودکان قبل از دبستان «قدرت‌طلبی» است. کودکانی که در جست‌وجوی کسب قدرت هستند احساس می‌کنند زمانی اهمیت دارند یا مهم تلقی می‌شوند که رئیس باشند. این دسته از کودکان کارهایی را انجام می‌دهند که صرفاً خودشان می‌خواهند. اصولاً جسارت این دسته از کودکان باعث عصبانیت و ناراحتی والدین می‌شود و این امر دقیقاً موجب شکست و ناامیدی والدین در برقراری ارتباط صحیح با این گونه کودکان خواهد شد.

در واقع کودکانی که در این دسته هستند اعتقاد دارند که هیچ‌کس حتی پدر مادر آن‌ها نمی‌توانند به آن‌ها زور بگویند و این کودکان هر آنچه را که بخواهند می‌توانند اعمال کنند. در چنین حالتی اگر والدین به‌صورت موقتی هم بتوانند کودک را مطیع خود کنند، باز هم بازنده خواهند بود، چون رابطه مؤثر با کودک را از دست خواهند داد و کودک به‌طور موقت با آن‌ها سازش خواهد کرد.

راحمل اصلی در برخورد با چنین کودکان (کودکان در جست‌وجوی قدرت) احتراز از عصبانیت، دوری از جدال و بگو مگو و خصوصاً برخورد قدرتمندانه با آن‌هاست. در واقع با اعمال قدرت در برابر این کودکان، آن‌ها فقط اهمیت قدرت را یاد می‌گیرند و در نهایت آن را علیه خود والدین به کار خواهند گرفت.

+ انتقام‌جویی: سومین دلیل بدرفتاری کودکان انتقام است. کودکانی که متقاعد شدند دیگران دوستشان ندارند و فقط زمانی به آن‌ها اهمیت می‌دهند که بتوانند دیگران را اذیت کنند، از روش انتقام استفاده می‌کنند. در واقع آن‌ها با بی‌رحم نشان دادن خود و مورد علاقه نبودن در نزد دیگران، جایی برای خود باز می‌کنند. والدین چنین کودکانی از رفتار آن‌ها عمیقاً آزرده می‌شوند و می‌خواهند که مقابله‌به‌مثل نمایند در صورتی که این عمل منجر به تشدید بدرفتاری یا انتخاب نوعی جنگ‌افزار دیگر خواهد شد. راهکار برخورد با چنین کودکانی این است که والدین در ابتدای امر تشخیص دهند که رفتار انتقام‌جویانه کودک فقط به دلیل دلسردی وی



است و لزوماً به خاطر تنفر از والدین نیست. گسترش روابط دوستانه و مملو از آرامش می‌تواند در چنین کودکانی حسن نیت ایجاد کند. در غیر این صورت دعوای مکرر بین والدین و کودکان انتقام‌جو، سبب احساس شکست در آن‌ها شده و در نهایت ممکن است کودکان انتقام‌جویی را رها کنند و با نمایش بی‌لیاقتی درصدد کسب رضایت والدین برآیند.

+ نمایش بی‌لیاقتی: چهارمین دلیلی که سبب بدرفتاری کودکان می‌شود تظاهر به بی‌لیاقتی یا عدم توانایی است. کودکانی که تظاهر به این امر می‌کنند شدیداً دلسرد هستند و امیدی به موفقیت ندارند. در واقع آن‌ها طوری رفتار می‌کنند که دیگران هیچ‌گونه انتظاری از آن‌ها نداشته باشند. این کودکان ممکن است در زمینه‌های مختلف یا حتی همه زمینه‌ها خود را بی‌خیال نشان دهند.

اگر والدین در برخورد با چنین کودکانی احساس یأس و ناامیدی کنند و از تلاش دست بردارند، فرزندان آن‌ها نیز به همین‌گونه عمل خواهند کرد. لذا جهت کمک به چنین کودکانی، لازم است والدین در درجه اول از میزان انتقاد بکاهند و به جای آن بر توانایی‌ها و نقاط قوت کودکان خود تأکید کنند. در واقع والدین باید تلاش کنند تا همه تلاش‌های کودک را هرچند که بی‌اهمیت و کوچک باشد تشویق کنند.

همانطور که اشاره شد، ممکن است والدین مسبب بدرفتاری‌های فرزندان خود نباشند اما عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌های آن‌ها در برابر چنین رفتارهایی می‌تواند سبب تقویت بدرفتاری در کودکان شود. اگر بخواهیم رفتار فرزندان را تغییر دهیم، ابتدا باید در رفتارهای خود به‌عنوان والدین تجدید نظر نماییم. برقراری ارتباط مؤثر میان والدین و کودکان می‌تواند تا حد زیادی از میزان بدرفتاری‌های کودکان بکاهد.

لازمه برقراری ارتباط مؤثر بین والدین و کودکان، رعایت چهار اصل زیر است:

+ احترام متقابل: همه افراد، فارغ از هر سن نیازمند احترام هستند. هم والدین و هم کودکان هر دو به احترام نیاز دارند. بسیاری از والدین از اینکه فرزندان، به آن‌ها احترام نمی‌گذارند شکایت می‌کنند، در صورتی که از این امر غافل هستند که احترام کسب‌کردنی است و در صورتی کودکان به والدین خود احترام می‌گذارند که والدین نیز به کودکان خود احترام بگذارند. مواردی از قبیل پرهیز از عیب‌جویی، داد و فریاد کردن با کودکان، کتک زدن یا تنبیه کردن، بددهنی و نادیده گرفتن توانمندی‌های کودکان، همگی از جمله مواردی است که سبب از بین رفتن احترام می‌شود. برای برقراری احترام متقابل باید والدین احترام گذاشتن را به فرزندان خود نشان دهند. اولین و مناسب‌ترین راه برای شروع، به حداقل رساندن صحبت‌های منفی است. همچنین برای مثال اجازه گرفتن از کودک برای ورود به اتاق وی یکی از نشانه‌های احترام است و کودک متقابلاً می‌آموزد که همانند والدین خود رفتار کند. ایجاد فضای دوستانه و صمیمانه در خانواده منجر به احترام متقابل بین اعضای خانواده می‌گردد.

+ صرف وقت با یکدیگر: با وجود مشکلات و دغدغه‌های فراوانی که والدین در زندگی امروز با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، اختصاص وقت

به فرزندان و گذراندن اوقاتی با اعضای خانواده می‌تواند منجر به فضایی صمیمانه و دلنشین گردد. برخلاف برخی از والدین که نداشتن زمان را بهانه می‌کنند، کیفیت گذراندن مدت‌زمانی که با فرزندان خود هستند بسیار مهم‌تر از کمیت آن است. مسلماً صرف یک ساعت وقت با فرزندان بر چندین ساعت مجادله با آن‌ها برتری دارد.

زمان‌هایی مانند روزهای تعطیل هفته، ساعت‌های قبل از خواب، شام خوردن، زمان‌هایی تعطیلی و استراحت از جمله اوقاتی هستند که به فراخور شرایط خانواده می‌توانند به‌عنوان زمانی مناسب برای گذراندن وقت با کودکان تلقی شوند. آنچه مهم است رضایت هر دو طرف و توافق آن‌ها در مورد زمانی است که با یکدیگر می‌گذرانند. لذا مهم است که والدین و فرزندان به اتفاق درخصوص طریقه وقت‌گذرانی تصمیم بگیرند.

+ دلگرمی: یکی دیگر از عوامل مهم در برقراری ارتباط مؤثر بین والدین و کودکان، ایجاد دلگرمی در آن‌هاست. تأکید بر نقاط قوت و محاسن کودکان سبب ایجاد اعتمادبه‌نفس و عزت نفس در کودکان می‌شود. دلگرمی به فرزندان کمک می‌کند تا به خود و توانایی‌هایشان اعتقاد داشته باشند. به عبارت دیگر برای آنکه کودکان احساس لیاقت و توانمندی داشته باشند و به خودشان اعتقاد داشته باشند، نیازمند تشویق والدین و برقراری رابطه‌ای همدلانه هستند. والدینی که کودکان خود را دلگرم نگه می‌دارند، به آن‌ها کمک می‌کنند تا از اشتباهات خود درس بگیرند و با جرئت‌پذیرند که کامل نیستند.

کودکانی که در خانواده‌های مستبد و سخت‌گیر بزرگ می‌شوند احساس ارزشمندی خود را براساس تشویق و تنبیه از سوی والدینی که در موضع قدرت هستند دریافت می‌کنند اما در خانواده‌های آزادمنش دلگرمی است که سبب تحت‌تأثیر قرار دادن کودکان می‌شود. داشتن انتظارات نامعقول و بیشتر از سن و توان کودکان، رقابت‌طلبی و مقایسه کودکان با یکدیگر، آرمان‌گرایی، ایده‌آل‌طلبی، اعمال معیارهای دوگانه از سوی پدر و مادر، منفی‌نگری در مورد توانمندی‌های کودکان و غیره از جمله دلایل از بین رفتن دلگرمی و رابطه مؤثر بین فرزندان و والدین است.

+ ابراز محبت: هر کودکی برای داشتن احساس امنیت باید دوست داشته شود. ذکر این نکته که والدین فرزندان‌شان را دوست دارند به ویژه در مواقعی که انتظار ندارند و همچنین با رفتارهای غیرکلامی مانند نوازش کردن، در آغوش گرفتن و بوسیدن، بسیار بااهمیت هستند. ایجاد محبت و علاقه بین والدین و کودکان منجر به پرورش فرزندان مستقل، توانمند و محبوب می‌گردد و به میزان قابل توجهی از رفتارهای نامطلوب آن‌ها می‌کاهد.

منابع

۱. دینک‌میر، دان و گری، مکی (۱۳۹۷). والدین مؤثر، فرزند مسئول: آموزش منظم برای کسانی که می‌خواهند والدینی موفق باشند. ترجمه مجید رئیس‌دانا، تهران: رشد.
۲. دینک‌میر، دان و دینک‌میر دان (۱۳۹۵). راهنمای فرزندپروری موفق. ترجمه مجید رئیس‌دانا، تهران: رشد.

نقش تمثیل و تشبیه در تربیت کودکان

محمد یوسفیان

مدیر واحد کودک و نوجوان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

اشاره

آنچه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در چندین جا مورد تأکید قرار گرفته، دستیابی نوآموزان و دانش آموزان به مراتبی از حیات طیبه و برقراری جامعه عدل مهدوی است. بنابراین، آشنایی با امام زمان (عج) از تأکیدات برنامه های درسی ملی می باشد و مناسب و ضروری است که در سنین پایین که شخصیت بچه ها شکل می گیرد، آشنایی با امام عصر (عج) در آن ها نهادینه شود. بدیهی است اگر این آشنایی با روش ها و در قالب های متنوع و غیر مستقیم انجام گیرد، تأثیر بهتری خواهد داشت.

کلیدواژه ها: تمثیل، کودک، آشنایی با امام زمان (عج)
تربیت اثربخش

اعتقاد قلبی و عمیق به تربیت مبتنی بر آموزه های دینی، رشد متعادل و صحیح را برای کودکان به همراه دارد. به اعتقاد روان شناسان تربیت و یادگیری، هر قدر این نگرش در برنامه و فعالیت های مربوط به کودکان دقیق و اصولی باشد، درونی تر و ماندگارتر خواهد بود و دین داری فرد نیز پایداری بیشتری خواهد داشت. امام علی (ع) می فرمایند: «ثبات الدین بقوة الیقین» (غررالحکم، ج ۳: ۳۵۰)؛ پایداری در دین به قوت یقین بستگی دارد.

استفاده از روش ها و قالب های مناسب در انتقال آگاهانه مفاهیم دینی برای شکوفایی باورهای صحیح برآمده از ارزش های دینی در کودکان بسیار اهمیت دارد. تا در بزرگسالی به یقین آنان افزوده شود.

علاقه و رغبت به گفتار درست، شیوا و دل انگیز، ریشه در گرایش های فطری آدمی به ویژه زیباخواهی، میل به خلاقیت و نوآوری دارد. استفاده از مثال در گفتار، تأثیری اعجاز گونه بر جان و دل شنونده می گذارد و مرورید درخشان حقیقت را سریع بر ساحل فهم و ادراک او می نشانند. قرآن کریم و اهل بیت - علیهم السلام - در اوج فصاحت و بلاغت از قالب مثال و تمثیل فراوان استفاده نموده اند. همچنین، نقش اثربخش ضرب المثل و تمثیل در آثار بزرگان ادب و شعر مشهود است.



کاربردهای تمثیل و تشبیه

اگر والدین و مربیان اراده دل‌ربایی از نونهالان خود و تأثیرگذاری در ذهن و قلب آن‌ها را دارند، حتماً باید گفتارشان در نهایت زیبایی و آراستگی باشد و بهره‌مندی از تمثیل و تشبیه یکی از اثربخش‌ترین راهکارها برای دستیابی به این هدف است. جذاب، قابل فهم، محسوس، عینی، دلنشین و نشاط‌آوری از جمله کارکردهای فراوان این روش در افزایش انگیزه کودک و اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی است.

از سوی دیگر، ضرورت و اهمیت آشنایی نونهالان با معارف دینی و آموزه‌های مهدویت، ایجاب می‌کند که به روش‌های جذاب، اثربخش و راه‌گشا از جمله مهارت‌های استفاده از تمثیل و تشبیه توجه جدی نماییم.

همچنین خوب و ضروری است که مربیان عزیز و اولیای گرامی قسمتی از مطالعات خود جهت آشنایی نونهالان با امام زمان (عج) را به جمع‌آوری تمثیلات مهدوی اختصاص دهند. در ادامه چند نمونه از آن‌ها به اختصار بیان می‌شود.

۱. خورشید پشت ابر

ابتدا دربارهٔ فواید و نقش مهم خورشید در زندگی انسان‌ها و چگونگی حضور و گرمابخشی خورشید در حالی که حتی ابرها جلوی آن را گرفته‌اند، با کودک گفت‌وگو کنید. چنانچه این مثال در یک روز که هوا ابری است به‌صورت حضوری در فضای باز (حیاط منزل، مهد و پیش‌دبستانی) مطرح شود، در فهم آن تأثیر بیشتری دارد. سپس داستانتان زیر را بگویید و در پایان با بحث و گفت‌وگو به نقش امامان به‌عنوان راهنما و معلم دلسوز و آخرین ایشان یعنی امام زمان (عج) اشاره کنید.

۱-۱: داستانتان، بحث و گفت‌وگو،

پیرمرد کشاورز

در دهکده‌ای زیبا و پر از گل و گیاه، پیرمردی زندگی می‌کرد که کارش کشاورزی بود. او گل‌ها و درختان را آبیاری می‌کرد و در فصل تابستان میوه‌های درختان را می‌چید و می‌فروخت.

روزی از روزها پیرمرد کشاورز رفته بود تا به مزرعه‌اش سری بزند و درختان را آبیاری کند اما متوجه شد که خورشید در آسمان پیدا نیست. این طرف آسمان را دید، آن طرف را گشت اما خورشید را ندید.

پیرمرد نگران شد و همان‌طور که با دقت به آسمان نگاه می‌کرد، از چیزی که دید تعجب کرد: «ای وای! چند تکه ابر سیاه و بزرگ جلوی خورشید را گرفته‌اند.»

در ادامهٔ داستان کشاورز برای بیرون آمدن خورشید از پشت ابر به این راه‌حل می‌رسد که تلاش کند و تعدادی دانهٔ گل از سراسر دنیا جمع کرده، آن‌ها را بکارد و به آن‌ها آب بدهد خورشید هم از پشت ابرها بیرون بیاید.

مربی بزرگوار با ذوق و خلاقیت خود می‌تواند خورشید این داستان را به وجود امام زمان (عج) تشبیه کند.

۱-۲: گردش علمی تربیتی و مشاهده (گل آفتاب گردان)

بچه‌ها، آیا تاکنون گل آفتاب گردان دیده‌اید؟ چون این گل همیشه رویش به طرف خورشید است، نام آن را گل آفتاب گردان گذاشته‌اند. در این مثال، مربی می‌تواند بچه‌ها را به یک مزرعه گل آفتاب گردان ببرد و با با نقاشی و فیلم آن را به بچه‌ها نشان بدهد. سپس با گفت‌وگوی ساده و عینی توجه کودکان را به ارتباط انسان‌ها با امام زمان (عج) جلب کرده و بگوید: بچه‌ها ما هم می‌توانیم مانند گل‌ها که خورشید را خوشحال کردند و کاری کردند تا او از پشت ابر بیرون بیاید، با انجام کارهای خوب امام زمان (عج) را خوشحال کنیم. برای اطلاع از متن کامل داستان و انیمیشن آن به «کیو آر» مقابل مراجعه کنید



نکته (ویژه بزرگسالان): امام زمان (عج) فرموده‌اند:

«استفاده و بهره‌مندی از من در زمان غیبتم همانند بهره بردن از خورشید است هنگامی که از دیده‌ها در پشت ابرها مخفی شود» (الغیبه، طوسی: ۳۹۲).



علاقه و رغبت به گفتار درست، شیوا و دل‌انگیز، ریشه در گرایش‌های فطری آدمی به‌ویژه زیباخواهی، میل به خلاقیت و نوآوری دارد

۲. مهمان

۱-۲: بازی و نمایش خلاق

وقتی قرار است مهمانی که شما او را بسیار دوست دارید به خانه‌تان بیاید، چه کار می‌کنید؟ حتماً شما بچه‌ها دیده‌اید که مادر، تمام خانه را تمیز می‌کند و برای پختن غذا و پذیرایی از مهمان، از پدر عزیز شما می‌خواهد که از بازار خرید کند و حتی به شما می‌گوید: پسر گلم، دختر گلم، شما هم زحمت بکشید و باغچه و گل‌دان‌ها را آب بدهید و وسایل شخصی خودتان را مرتب کنید. بچه‌های عزیز، همه ما امام مهربان و مهمان عزیزی به نام امام مهدی (ع) داریم که منتظر آمدن ایشان هستیم؛ بنابراین باید خودمان را برای آمدن او آماده کنیم.



اگر والدین و مربیان ارادهٔ دل‌ربایی از نونهالان خود و تأثیرگذاری در ذهن و قلب آن‌ها را دارند، حتماً باید گفتارشان در نهایت زیبایی و آراستگی باشد و بهره‌مندی از تمثیل و تشبیه یکی از اثربخش‌ترین راهکارها برای دستیابی به این هدف است



چند تذکر مهم

۱. وقتی مثال را بیان می‌کنید، خود را برای سؤالات احتمالی و اطلاعات عمومی مربوط به آن مثال آماده کنید. به بچه‌ها پاسخ ملموس و دقیق بدهید؛ در غیر این صورت، از بیان مطلبی که حاوی اطلاعات کامل به همراه توضیحات کودکانه نیستند، جداً پرهیز کنید و با جرئت تمام از کودکان فرصت بررسی بخواهید. (این رفتار یک الگوی تربیتی پنهان و بسیار مؤثر است.) سپس در اولین فرصت و خیلی زود با مراجعه به منابع معتبر و متناسب کودکان به ارائهٔ پاسخ صحیح مباردت ورزید.

۲. به سؤالات کودک دامن نزید و پاسخ‌ها را فقط در حد سؤال و کوتاه ارائه دهید.

۳. همواره از امام زمان (عج) تصویری مهربان، دلسوز، دوست همهٔ کودکان و انسان خوب در ذهن کودک ایجاد کنید. از بیان روایات مربوط به جنگ و ستیز ایشان با دشمنان برای گروه سنی کودکان پیش‌دبستان پرهیز نمایید.

در پایان، بیان این نکته خالی از فایده نیست که اگر مربیان گرامی تمثیلات بیشتری را مطالعه کنند، به مرور زمان خودشان نیز می‌توانند مدع و تولیدکنندهٔ مثال باشند. همچنین، مربیان محترم و اولیای گرامی می‌توانند برای آشنایی بیشتر با این گونه تمثیلات به منابع مورد استفاده در این نوشتار مراجعه کنند.



۳. سلام به خورشید

یکی از پرسش‌های ذهنی بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها این است که چگونه هر کجا باشیم امام زمان (ع) ما را می‌بیند و می‌توانیم با ایشان ارتباط قلبی داشته باشیم.

۳-۱: بحث و گفت‌وگو

بچه‌های عزیز، اگر هنگام روز یکی از شما پنجرهٔ اتاقش را باز کند، نور خورشید به اتاق او خواهد آمد؛ مثل این است که خورشید به او و او هم به خورشید سلام می‌کند. آیا در همان زمان، بچه‌ای دیگر هم می‌تواند به خورشید سلام کند؟ جواب بله است؛ با اینکه خورشید یکی بیشتر نیست، حتی تمام بچه‌های ایران و همهٔ دنیا می‌توانند در یک زمان به آن سلام بدهند و خورشید هم در همان زمان به آن‌ها نور می‌دهد و مثل این است که جواب سلام همه‌شان را می‌دهد.

بچه‌های نازنین، امام زمان (عج) برای ما مثل خورشید هستند و هر وقت هر کدام از ما پنجرهٔ دلمان را به طرف ایشان باز کنیم یا در یک زمان همهٔ بچه‌های ایران به امام زمان (عج) سلام بدهند، در همان حال، امام زمان (عج) به همهٔ آن‌ها توجه می‌کند

منابع

۱. یوسفیان، محمد. (۱۳۹۳). سوغات آسمانی «۱». نشر معبود.
۲. یوسفیان، محمد. (۱۳۹۲). غایب همیشه حاضر. انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۳. یوسفیان، محمد. (۱۳۹۲). پاسخ به ۲۰ پرسش کودکان درباره امام مهدی (ع) «۳».
۴. یوسفیان، محمد. (۱۳۹۵). پاسخ به ۲۰ پرسش کودکان درباره نماز «۴». نشر همای غدیر.



ویژگی‌های مدیریت اثربخش در مهدهای کودک

● لیلا ولی‌زاده / دکتری مدیریت آموزشی

● اشاره:

در این میان، تجهیز مدیران مهدهای کودک به شایستگی‌های لازم که تأثیر زیادی بر افزایش جذب کودکان و رشد همه‌جانبه آنان دارد، از جمله موضوعاتی است که در جامعه دانشگاهی و سازمان‌های ذی‌ربط مورد توجه کافی نبوده است. این در حالی است که تعداد مهدهای کودک در ایران، نزدیک به ۱۵ هزار مرکز می‌باشد و حدود ۷۰۰ هزار نفر کودک را تحت پوشش قرار می‌دهند. ۱ در بررسی‌های به عمل آمده از سالنامه‌های آماری کشور، تعداد کودکان بهره‌مند از خدمات مهدهای کودک طی سال‌های گذشته، فقط در حدود ده درصد از کودکان زیر سن دبستان کشور است. بنابراین، صرف‌نظر از مباحث فرهنگی و اقتصادی جامعه، شاید یکی از دلایل تعداد کم کودکان بهره‌مند از خدمات مهدهای کودک، مهارت اندک مدیران در جذب والدین و کودکانشان می‌باشد. لذا مدیران مهدهای کودک برای داشتن عملکرد اثربخش، باید به شایستگی‌های خاصی مجهز شوند. به همین منظور، مطالعه حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های شایستگی مدیران مهدهای کودک انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: شایستگی، مهد کودک، مدیر، کودک

در سال‌های اخیر، دوره کودکی و اهمیت آن مورد توجه صاحب‌نظران تمام حوزه‌های دانشی قرار گرفته و تأثیر کیفیت مراقبت و آموزش در دوران خردسالی بر تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ثابت شده است. این امر حساسیت مسئولین نظام تربیتی کشورها را نسبت به این دوران طلایی برانگیخته است. که موجب سیاست‌گذاری‌های جدیدی در حوزه کودکان شده است؛ یکی از این حساسیت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، ملاک‌هایی است که برای جذب و تربیت مدیران اثربخش و همسو با اهداف علوم تربیتی، دولت‌ها و جو اجتماعی حاکم در مراکز مراقبت و آموزش کودکان صورت می‌گیرد. لیکن علاوه بر موارد مذکور، لازم است درخواست‌ها و نیازهای خانواده‌ها و جامعه را نیز نسبت به کیفیت نیروی انسانی این نوع مراکز، به ضرورت‌های فوق افزود. لذا یافته‌هایی که در این مقاله ارائه شده است؛ می‌تواند برای آشنایی هر چه بیشتر مدیران مهدهای کودک با شایستگی‌های لازم در این جایگاه مورد استفاده قرار گیرد و در راستای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران و امنیت خاطر والدینی باشد که فرزندان خود را برای رشد همه جانبه به مهدهای کودک می‌سپارند.



● نظارت بر مرکز از جمله فضا، نیروی انسانی و امکانات، هماهنگی آموزش، منابع و امکانات یادگیری، نظارت و کنترل بر گزارش‌های مرکز؛

روش پژوهش

به منظور شناسایی شایستگی‌های مدیران مهدهای کودک ایران، در این پژوهش از روش دلفی استفاده شده است. در فرایند پژوهش، ابتدا اطلاعات مورد نیاز برای استخراج مؤلفه‌های شایستگی مدیران مهدهای کودک، پیشینه پژوهش، اسناد و قوانین کشورها و پژوهش‌های بین‌المللی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت لیکن به دلیل نبود الگوهای جامع و بومی در حیطه مدیریت مهدهای کودک، این نتیجه حاصل شد که شناخت مؤلفه‌ها و کدهای آن از دیدگاه خبرگان و متخصصان داخلی نیز می‌تواند مفید باشد. لذا مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های شایستگی مدیران مهدهای کودک با استفاده از روش دلفی در سه مرحله با توافق خبرگان استخراج شدند. در مرحله اول، از خبرگان خواسته شد؛ دیدگاه‌های خود را در مورد شایستگی‌های مدیران مهدهای کودک بیان کنند. چنانچه تعیین نمونه‌ها و دریافت نظرات آنان تا اشیاع نظری پیش رفت. در مرحله دوم، تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری صورت گرفت و با زیر مؤلفه‌های استخراج شده از مرحله

در پژوهش‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع این مطالعه، در رابطه با شایستگی‌های مدیران مهدهای کودک، ویژگی‌هایی ارائه شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- همسویی با ارزش‌ها و اهداف تربیتی کشور خودشان؛
- ارتباط موثر با والدین، مدیریت تغییر، مهارت‌های فنی، تیم‌سازی، آگاهی بین فردی و یکپارچه کردن دیدگاه‌های مربیان؛
- ایجاد یک فرهنگ و روش یکسان برای مشارکت جمعی در ارزیابی عملکردمربیان؛
- بهبود عملکرد آموزشی، مشارکت گروهی، کسب دانش و مهارت‌های جدید در مباحث سازمانی جهت افزایش کارآمدی و اثربخشی مرکز؛
- پشتیبانی از کارکنان و ارتباط با آنها از طریق تکنولوژی روز و آموزش مداوم جهت ایجاد رضایت شغلی، دقت عمل بسیار بالا در استخدام مربیان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی براساس تحقیقات جاری برای رشد و توسعه دانش مربیان و تلاش برای به روز نگه‌داشتن سیستم آموزشی مرکز؛
- پاسخگویی در مقابل قانون و والدین، توجه اخلاقی و تأمین مالی پرسنل، دریافت حق‌الزحمه مربیان از والدین و دولت، افزایش دانش و مهارت خود در حوزه کودکان و مدیریت؛

دانش مدیران مهدهای کودک

تحصیلات دانشگاهی مرتبط با کودکان
سبک و الگوی مدیریت برای تحقق اهداف مهد کودک (اثربخشی و کارایی)
بازآموزی مستمر در حوزه کودکان و مدیریت
ساختار، قوانین و بخشنامه‌های سازمان‌های مرتبط با مهدهای کودک
آشنایی با فناوری اطلاعات
آشنایی با مجامع بین‌المللی مرتبط با کودکان و مهدهای کودک
قوانین، مبانی و شیوه‌های نظارت
استانداردهای محتوای آموزشی و کمک آموزشی کودکان
مطالعات تطبیقی (مهد کودک سایر کشورها و بومی‌سازی تجارب آن‌ها)
توسعه فرهنگ تسهیم تجارب با سایر مهدهای کودک

توانایی‌های مدیران مهدهای کودک

مخاطب‌شناسی جهت ارائه خدمات بهتر و بیشتر
استخدام نیروی انسانی شایسته و مکمل یکدیگر در مهارت و دانش خودارزیابی و ارزیابی مرکز و کارکنان
مدیریت بحران
حمایت و هدایت و آموزش مستمر کارکنان
دفاع از صنف مهدهای کودک به جای دفاع از مهد کودک خود
سنجش علل رخداد تخلف، برخورد قاطع با خطاکار با حفظ کرامت انسانی
پاسخگویی در مقابل: دولت، والدین، جامعه
اصول و شیوه‌های گزارش‌دهی (آمار و عملکرد)
آشنایی با فنون مذاکره و مصاحبه

مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های شایستگی مدیران مهدهای کودک، استخراج شده از روش دلفی

ارتقاء کیفیت زندگی
 کودکان در مجموعه حکومت‌ها،
 مسئولان، مردم، مراکز نگهداری و آموزشی
 کودکان، نیازمند پذیرش چارچوب‌های
 علمی و تجربی برای موجودیت کودک
 است؛ چارچوب‌هایی که از قانون‌گذاری
 اجتماعی برای آنان تا محتوای آموزشی
 و روش‌های پرورش را در بر
 می‌گیرد.

اقداماتی که حتی از محیط داخلی مهد کودک فراتر می‌باشد. آن‌ها باید خود را در مقابل جامعه، دولت و خدمت گیرندگان پاسخگو بدانند؛ چرا که برخلاف نگاه سنتی به مدیریت مهدهای کودک، امروزه مدیران این مراکز، فقط در مقابل سرمایه مالی مسئول نیستند بلکه باید با بینش و تحلیل در جهت شناخت مشتریان، یعنی والدین و کودکان، و حتی سایر ذی‌نفعان مانند مربیان و جامعه و نظام حاکمیتی و کمک به رفع نیازهای آن‌ها نیز کوشا باشند. کمکی که به معنای ارائه خدمات بیشتر و بهتر است و البته باید در چارچوب قوانین و مقررات سازمان مجوزدهنده باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد نیز نشان داده شد که بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی، فرهنگی و قوانین حاکم بر جامعه برای کسب شایستگی در مدیریت مهد کودک، موفقیت‌های برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی را برای کودکان، افزون و پایدار خواهد کرد. این شایستگی‌ها طبق نتایج پژوهش حاضر در قالب چهار مؤلفه اصلی به این شرح مطرح شدند: دانش، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌ها، و مهارت‌های مدیران مهدهای کودک. بهره‌مندی از تمامی ظرفیت‌های جامعه و نظام حاکمیتی در عملکرد مدیران این مراکز اهمیت بسزایی دارد. به علاوه، وجود رویکرد سیستمی بین نظام حاکمیتی، دولت، جامعه، دانشگاه، مهد کودک و... و تلاش مدیران برای کسب شایستگی در اثربخشی و بهبود مدیریت عملکرد مهدهای کودک ضروری است.

پی‌نوشت

۱. سالنامه آماری سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۶

منابع

۱. ایران نژاد پاریزی، مهدی و ساسان گهر، پرویز (۱۳۹۸)، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل. انتشارات موسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
۲. کول، وینتا (۲۰۱۱). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. (ترجمه فرخنده مفیدی). انتشارات سمت.
۳. ماسن، پاور هنری کیگان، جروم هوستون، آلتا کارول کانجر، جان جین وی (۲۰۱۵). رشد و شخصیت کودک. (ترجمه مهشید یاسایی). انتشارات کتاب ماد.
۴. مفیدی، فرخنده (۱۳۹۷). مدیریت مراکز پیش از دبستان. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. ولی زاده، لیلا. شناسایی شایستگی‌های مدیران مهدهای کودک در ایران. فصلنامه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز شماره ۲۶ پاییز ۱۳۹۸
۶. هوی، وین و میسکل، سبیل (۲۰۱۶). تئوری، تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی (ترجمه حسین عباسیان) انتشارات آراد.

اول دلفی و یافته‌های پیشینه پژوهش، فهرست کاملی از کدها در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت. در مرحله سوم، دسته‌بندی نهایی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های به دست آمده از مرحله دوم در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و با تجمیع نظرات مشابه و متفاوت به صورت یک لیست کامل، فهرست منسجمی از شایستگی‌های مدیران مهدهای کودک تدوین شد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر چهار مؤلفه دانش، ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌ها، و مهارت‌های مدیران مهدهای کودک با ۸۹ زیرمؤلفه استخراج شدند. کدهای نهایی مورد توافق خبرگان در جدول زیر ارائه شده است.

ارتقاء کیفیت زندگی کودکان در مجموعه حکومت‌ها، مسئولان، مردم، مراکز نگهداری و آموزشی کودکان، نیازمند پذیرش چارچوب‌های علمی و تجربی برای موجودیت کودک است؛ چارچوب‌هایی که از قانون‌گذاری اجتماعی برای آنان تا محتوای آموزشی و روش‌های پرورش را در بر می‌گیرد. بر این اساس، هماهنگی و استمرار در برنامه‌های ملی تمامی دستگاه‌ها و متولیان امور کودکان ضرورت دارد. براساس یافته‌های این پژوهش نیز مدیران مهدهای کودک، به عنوان مسئول تمامی امور مهد کودک باید برای رشد همه جانبه کودکان، اقدامات تخصصی، انسانی و اخلاقی انجام دهند.

ویژگی‌های شخصیتی مدیران مهدهای کودک

- عشق و علاقه به کودکان
- مسئولیت اجتماعی
- پایبندی به فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه
- سلامت روح و روان به تأیید مراجع پزشکی
- نظم و انضباط فردی و اجتماعی
- انگیزه بالای شغلی
- پوشش ظاهری مرتب و منظم طبق دستورالعمل سازمان متولی
- رعایت اخلاق در تمامی امور
- تعهد و التزام به سازمان مجوزدهنده

مهارت‌های مدیران مهدهای کودک

- مهارت‌های مدیریتی (برنامه‌ریزی، تقسیم وظایف، سازماندهی فضا و...)
- ارتباط مؤثر با کارکنان در جهت رسیدن به اهداف مشترک
- مربیگری و آموزش کودکان
- ایجاد نگرش مثبت در مسئولان و جامعه نسبت به خدمات مهد کودک
- فراهم نمودن زمینه آشنایی، علاقه و انس کودک با خداوند مهربان، قرآن مجید، معصومین (ع) و مفاهیم دینی قابل درک برای کودکان
- آشنایی با زبان بین‌المللی (انگلیسی)
- کاهش فشارهای روانی در بین کارکنان
- خلاقیت و تحول گرایی



باغ تجربه‌ها

کودک مهرورزم آرزوست

● فریده عصاره / عضو هیئت تحریریه

● اشاره

صفحات تاریخ مملو از خشونت، ستمگری، خودکامگی و جنایت‌های برخی حکمرانان در دوره‌های مختلف تاریخی است. این خشونت‌ها چه در ماقبل تاریخ چه در دوره باستان و چه بعد از آن رایج بوده است. سقوط ارزش‌های انسانی و خشونت‌ها به شیوه‌های مختلف جنگ، کشتار، استثمار، آزار و اذیت، و ظلم و جور بروز دارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، مهرورزی، کودکان پیش‌دبستانی

چند سال پیش در مقاله‌ای می‌خواندم که تاریخ فقط پانزده دقیقه دنیای بدون جنگ را به خود دیده است. مدام آدم‌ها به‌صورت طایفه‌ای، قومی و نژادی، جنگ بین دو روستا، دو شهر، دو کشور یا همه جهان در نزاع و خشونت با یکدیگر بوده‌اند. اکنون هم که شکل و شیوه جنگ‌ها از جنگ با اسلحه به شکل سایبری، هسته‌ای و بیولوژیک تغییر یافته است. در حال حاضر، بانیان آشوب‌ها و ناآرامی‌ها در جهان به‌ویژه در غرب آسیا (خاورمیانه) ابرقدرت‌ها و اجراکنندگانشان مردم بی‌تدبیر جهان سوم‌اند. چند سال پیش در زمانی به نام «پیشگویی آسمانی» نوشته «جیمز ردفیلد» که درباره مردم آمریکای لاتین بود، می‌خواندم که این همه جنگ و دشمنی انسان‌ها با یکدیگر به خاطر جداسدن آن‌ها از انرژی اصلی یعنی سرچشمه و خالق هستی است. انسان‌ها می‌خواهند این کمبود انرژی خود را از این راه به دست آورند. صفحه‌های حوادث روزنامه‌ها در جهان مملو از رویدادهایی چون قتل، ضرب و شتم، تجاوز، سوءاستفاده جنسی از کودکان، باج‌گیری، گروگان‌گیری و دیگر آزار و اذیت‌های افراد زورگو و بی‌رحم به قربانیان این خشونت‌هاست. این اشرف مخلوقات که فرشته‌ها به او سجده کردند و جانشین خدا بر روی زمین است، در طول تاریخ بدعهدی‌اش را مکرر به اثبات رسانده. خلیفه‌ای که خداوند برایش چه آرزوها داشته و رحمانیت خود را در روحش جاری ساخته است.

متأسفانه گاه برخی از رسانه‌ها هم به اشاعه این خشونت‌ها در جامعه دامن می‌زنند. سال‌هاست که کتاب‌های جنایی، بازی‌های رایانه‌ای و پلیسی زیادی در دنیا ترویج می‌شود و مخاطبان زیادی به خود جذب نموده است. فیلم‌های فراوانی در مؤسسات فیلم‌سازی در هالیوود و دیگر مؤسسات فیلم‌سازی در





به راحتی به دیگران مهر می‌ورزد و با آن‌ها ارتباط مناسبی برقرار می‌کند. وقتی مربی یا معلم آموزش و تربیت خود را در کلاس آغشته به مهرورزی و محبت می‌کند، هم در میان بچه‌ها محبوبیت دارد، هم اعتماد آن‌ها به او و به یکدیگر بیشتر می‌شود. معمولاً امنیت و صمیمیت، امر یادگیری را آسان‌تر می‌سازند. بر کسی پوشیده نیست که یکی از نیازهای اساسی انسان، محبت دیدن و مهر ورزیدن به دیگران است که باعث خشنودی و خوشحالی و رضایت و امید به زندگی می‌شود.

نهادهای فرهنگی بین‌المللی بر مبارزه با خشونت تأکید دارند. در برخی کشورها روز مبارزه با خشونت و زورگویی در مدارس رایج است.

در آموزش و پرورش ایران هم این مهم همواره مورد توجه بوده است؛ چنان که در سند تحول بنیادین وزارت آموزش و پرورش دغدغه تربیت شهروند خوب است و به دنبال آن است که دانش‌آموزان در دوازده سال تحصیلی به مراتبی از حیات طبیعه برسند. اعتقاد بر این است که انسان در رابطه با خود، خدا، خلق و طبیعت باید روابطی سازنده و توأم با محبت و مهرورزی داشته باشد؛ روابطی که به دور از ظلم و نژادپرستی باشد.

در این برنامه، تأکید بر این است که روابط حق محور، عدالت‌گستر و مهرورزانه با همه انسان‌های جهان در دانش‌آموزان تقویت یابد؛ زیرا هدف، تربیت انسان‌های مهرورز است.

بر این اساس لازم است در هر نقشی که هستیم (معلم، مادر و پدر، نویسنده، برنامه‌ریز)، درباره نسلی که زمام تربیتش در دست ماست، برنامه‌های درسی‌مان، تدریسمان در کلاس درس، نوشته‌ها و گفته‌هایمان در هر رسانه‌ای مبتنی بر تربیت بدون خشونت و کینه باشد. تربیت به گونه‌ای باشد که بچه‌هایمان همه مخلوقات دور و اطراف خود، هر کسی را با هر خصوصیت و شخصیتی دوست بدارند و آن‌ها را هدیه‌ای از جانب خدا بدانند؛ چون اصل و اساس همه موجودات از روح خداوندی است. هر کدام تکه‌ای از پازل هستی هستیم و وجودمان تکمیل‌کننده این پازل است.

باید نسلی تربیت کنیم که دیگر به خاطر قدرت، حرص و طمع و منیت دست به خشونت نزنند؛ نسلی که شالوده تاریخ را بر مبنای محبت و مودت بسازد. نسلی دلسوز، مهربان، بدون خشونت، نسلی که قلبشان مملو از مهر و عطاوت نسبت به هم‌نوع و غیرهم‌نوع باشد؛ نسبت به همسالان، بزرگسالان، خویشان و غریبه‌ها.

نسلی که به حفظ و توسعه محیط زیست علاقه‌مند باشد، حقوق حیوانات و گیاهان را محترم بشمارد و خود را موظف به حفظ و مراقبت از آن‌ها بداند. نسلی که نه تنها به فکر خود است بلکه درد هم‌نوعانش را هم درد خود می‌داند؛ نسلی که حق زندگی بر این کره خاکی را برای همه مخلوقات

دنیا ساخته می‌شود مملو از صحنه‌ها و تصویرهایی خشن و کشت و کشتار و ضدعطوفت انسانی که در ضمیر بینندگانشان می‌نشیند. با کمال تأسف، این فیلم‌های «اکشن» بینندگان زیادی به‌ویژه در میان جوانان و نوجوانان دارد. اخیراً رگه‌های خشونت در برخی کارتون‌های کودکان هم دیده می‌شود. در بیشتر مواقع شخصیت خشن، همان قهرمان فیلم‌نامه است که مخاطب با او هم‌ذات‌پنداری و از وی الگوبرداری می‌کند. گاه صحنه‌های خشونت‌آمیز مایه تفریح قرار می‌گیرد و قبح آن‌ها از میان می‌رود. درواقع، این رسانه‌ها حس کنجکاوی و ماجراجویی را به سمت آموزش خشونت سوق می‌دهند.

● کودک مقتدر یا زورگو؟!

در این مقاله اگرچه حاکمان قدرتمند مثال زده شده‌اند ولی اصلاً منظور نگارنده نکوهِش قدرت نیست؛ زیرا تربیت انسان قدرتمند حق هر شهروندی و لازمه بقای یک کشور است. صد البته که ما به‌عنوان دست‌اندرکاران تربیت، لازم است افرادی مقتدر تربیت کنیم که توانایی مدیریت بر خود و دیگران را داشته باشند. مقتدر با زورگو فرق می‌کند. اقتدار با مهرورزی در تضاد نیست. فرد مقتدر می‌تواند مهرورز، انسان دوست و منصف هم باشد.

خداوند منبع و سرچشمه رأفت، رحمت، عشق و مهرورزی است. اخلاق اسلامی رمز هستی عالم و سر خلقت آدم را عشق و محبت می‌داند. به تبع آن، همه ادیان نیز همواره منادی صلح و مهرورزی بوده‌اند. اصلاً رمز موفقیت پیامبران در گردآوری پیروان خود، مهرورزی بوده است. پیامبر اسلام (ص) که خداوند او را در قرآن دارای خلق نیکو معرفی می‌کند، با مهرورزی و نرمی و محبت توانست حتی دشمنان خود را هم به دین اسلام بیاورد. در ایران باستان آیین مهرورزی با میتراپیسم از مقدسات مردم آن زمان بوده است.

در هر حال، تاریخ فرهنگی و ادبی کشور ما، چه در اسلام و چه در ادبیات و فرهنگ ایران مملو از واژه‌هایی مانند مهر، مهرورزی، مهربانی، مهرجویی، مهردوستی، انسان دوستی، عطوفت، رحم، شفقت، مروت، انصاف، برادری، همدردی و همدلی، احترام گذاشتن به همدیگر و ده‌ها واژه دیگر در این حوزه معنایی است. ادبیات کهن و بومی ما و نیز عرفان اسلامی مملو از اشعار، حکایات و داستان‌هایی برای تربیت و نهادینه کردن صفات بالا و دیگر صفات مرتبط با مهرورزی است. آن‌ها به صور مختلف، همه افراد را به این صفات پسندیده سفارش می‌کنند.

اساساً تربیت، مبتنی بر مهرورزی و محبت به متربی است؛ همان‌طور که پدر و مادر با عشق به فرزند بچه‌دار می‌شوند. کودکی که از خانواده، مهد کودک و مدرسه فراوان محبت دیده است، امنیت بیشتری دارد. بانشاط، امیدوار، خوش‌بین، انسان دوست، دارای عزت نفس و اعتمادبه نفس است.



رمز موفقیت
پیامبران در
گردآوری پیروان
خود، مهرورزی
بوده است. پیامبر
اسلام (ص) که
خداوند او را در
قرآن دارای خلق
نیکو معرفی
می‌کند، با
مهرورزی و نرمی
و محبت توانست
حتی دشمنان
خود را هم به دین
اسلام بیاورد

محترم بشمارد. به این بیندیشد که خداوند هر موجودی را برای هدف و حکمتی آفریده است. پس همه حق زندگی دارند. هیچ موجودی اضافه نیست و امکانات این کره خاکی برای استفاده همه موجودات است.

چند نمونه از مصادیق خشونت‌طلبی در دنیای امروز ○ خشونت‌ها در غرب

رومیان باستان دو قرن پیش از میلاد به یونان که کشوری با قدمت، فرهنگ و تمدن بسیار پیشرفته بود، هجوم بردند؛ شهرهایش را سوزاندند، مردان را کشتند، ثروت این کشور را همچون مصر، چپاول کردند و به روم آوردند. یونان دو هزار سال از عرصه تاریخ ناپدید گشت.

در قرن اول میلادی، حاکم انسان‌نمایی بر امپراتوری روم حکومت می‌کرد که از بیست و دو سالگی دستش به خون مادرش آلوده شد. از آن پس، ریختن خون مردم برایش مایه تفریح بود؛ به‌طوری که به معلم خود و صدها نفر دیگر از افراد صاحب‌منصب فرمان خودکشی داد.

نرون به بهانه تغییر نقشه معماری شهر روم، همه‌جا اعم از کاخ‌ها، معابد، خانه‌ها، کتابخانه و همه اماکن را با مردم ساکن آنجا به آتش کشید. در این حریق، نسخه‌های خطی گران‌قیمت و آثار هنری بی‌شماری نابود شدند. هزاران نفر در خانه‌ها و کوچه‌های پرجمعیت شهر، در شعله‌های آتش سوختند و جان دادند. مردم بی‌پناه و سرگردان نمی‌دانستند که به کجا پناه ببرند و نرون با شغف و خوشحالی سوختن و از بین رفتن شهر را تماشا می‌کرد و لذت می‌برد.

حاکمان رومی هم حواریون حضرت مسیح (ع) را که به تبلیغ دین می‌پرداختند، در زندان‌ها و زیر شکنجه‌های اسفناک کشتند؛ مردمان تازه مسیحی را نیز شکنجه و قتل‌عام کردند و بر پای آن‌ها زنجیر و بر گردنشان قلاده آهین زدند. مسیحیان سال‌ها در زندگی پنهانی خود در زیرزمین‌ها با ترس و مشقت زندگی می‌کردند.

○ گروه تروریستی داعش

شبکه جهانی اینترنت مملو از تصاویر شنیع و ضدبشری کشتارها، قتل‌عام‌ها، شکنجه‌های دلخراش، کودکان در حال اعدام در جلوی چشم پدر و مادرشان یا اعدام پدر و مادرها در معرض دید کودکان و فروش زن‌های به اسارت گرفته شده است

و با این جنایات افتخار هم می‌کند. قتل‌عام‌های داعش در عراق و سوریه مردم را به فرار و پناهندگی به کشورهای دیگر واداشته است. در این میان، بسیاری در راه یا در دریا غرق می‌شوند یا به انحای دیگر می‌میرند. این گروه تروریستی به آثار باستانی هم رحم نکرده‌اند. آن‌ها علاوه بر تخریب گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی در عراق و سوریه، سر خالداسعد را که از باستان‌شناسان برجسته سوری بود و پنجاه سال از عمرش را در این راه سپری کرده بود، بریدند و در مرکز شهر اویزان کردند. همچنین، آثاری با قدمت چند هزارساله را که سند ارزش و اعتبار و پیشینه تاریخی و مدنی آن کشورها بودند، تخریب کردند. آثار فرهنگی و باستانی‌ای که مایه افتخار، هویت و بالندگی هر ملتی است و گردشگران و علاقه‌مندان به فرهنگ و دوستی را جلب می‌کند و موجب رشد فرهنگی و اقتصادی می‌شود.

○ فلسطین اشغالی

به واسطه اشغال فلسطین به دست رژیم اشغالگر قدس، جمعیت زیادی از مردم فلسطین از کشورشان آواره شده‌اند. جنگنده‌های صهیونیست به بهانه‌های مختلف سال‌هاست که زنان و مردان و کودکان، خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، نیروگاه‌ها و دیگر اماکن عمومی آن‌ها را مورد حمله قرار می‌دهد. بنا به گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ در یکی از حمله‌ها بیش از ۳۰ درصد فلسطینیان نوار غزه کشته شده‌اند. بان کی مون، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، کشته شدن کودکان را در خواب و دانش‌آموزان را در مدارس محکوم کرد. با این حال، هنوز هم این جنگ نابرابر با حمله‌های وحشیانه ادامه دارد.



منابع

۱. دورانت، ویل، (۱۳۵۷)، تاریخ تمدن، جلد هشتم، ترجمه پرویز داریوش، نشر اقبال.
۲. ———، (۱۳۴۳)، تاریخ تمدن، جلد دوازدهم و سیزدهم، ترجمه ابوالقاسم طاهری، نشر اقبال.
۳. ———، (۱۳۴۰)، تاریخ تمدن، جلد ششم، ترجمه هوشنگ پیرنظر، نشر اقبال.
۴. ———، (۱۳۴۸)، تاریخ تمدن، جلد نهم، ترجمه علی‌اصغر سروش، نشر اقبال.
۵. منابع اینترنتی.



دوست دارید فرزند شما شبیه بن تن شود؟

● دکتر سیامک طهماسبی / عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی
● مریم سادات مشهدی / عضو انجمن مطالعات کودکان پیش از دبستان ایران

ساخته شدند، بخشی از تاریخ سینما به شمار می‌آیند. در کارتون به جای بازیگر واقعی از پویانمایی (انیمیشن) استفاده می‌شود. معمولاً کارتون به شکلی طنزآمیز برای کودکان در نظر گرفته می‌شود و این مسئله بر جذابیت آن می‌افزاید.

امروزه کودکان و نوجوانان به نحو گسترده و بی‌سابقه‌ای در معرض رسانه‌های جمعی قرار دارند (پستمن، ۱۳۷۸: ۸). در این میان، تلویزیون در خانواده‌ها به چنان عضو مهمی تبدیل شده است که بسیاری از پدر و مادرها، اعم از تحصیل کرده یا کم‌سواد و فقیر یا غنی، از تلویزیون به عنوان یک دایه الکترونیکی استفاده می‌کنند (باهنر، ۱۳۹۰: ۹۳). البته باید توجه داشت که کودکان و نوجوانان در زمره آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌روند؛ چرا که در وضعیتی انعطاف‌پذیر قرار دارند و هنوز سازوکارهای دفاعی ذهنشان به‌خوبی تکوین نیافته است (پستمن، ۱۳۷۸: ۸).

بنابر آنچه گفته شد، اثرپذیری چندین برابری کودکان و نوجوانان از تلویزیون نسبت به بزرگسالان نشان می‌دهد که برای بالا بردن سهم

کیفش را که طرح مرد عنکبوتی روی آن نقش بسته است، باز می‌کند. دفتر بن تن و جامدادی میکی‌موس خود را در می‌آورد و شروع به نوشتن انشا می‌کند: «جمعه هفته گذشته با پدر و مادرم در خانه بودیم. هوا سرد بود و نتوانستیم به پارک برویم. من بعد از صبحانه، تمرین‌های ریاضی‌ام را انجام دادم و بعد از آن کارتون تماشا کردم. کارتون بن تن که تمام شد، کمی استراحت کردم تا برنامه عموپورنگ شروع شود...»

گاهی خانواده‌ها به دلیل مشغولیات شغلی، خستگی و بی‌حوصلگی و یا مشکلات متعدد دیگر نمی‌توانند به میزان لازم برای همراهی با فرزندانشان وقت بگذارند. بنابراین، کودکان و نوجوانان به فضای مجازی، تلویزیون و یا بازی‌های رایانه‌ای سوق پیدا می‌کنند.

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر کارتون‌ها بر الگوهای رفتاری کودکان است. بنابر آمار منتشر شده توسط مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، کارتون‌ها و برنامه‌های ترکیبی (همچون برنامه عموپورنگ) همچنان طرفداران زیادی در بین کودکان و نوجوانان دارند.

کارتون‌ها از زمانی که اولین تصاویر متحرک در سال ۱۸۰۰ میلادی





**در کشور ما
بعضاً رسانه‌های
جمعی و از
جمله تلویزیون،
گفتمانی سنجیده،
حساب شده و
علمی در باب
کودکان ندارند**

اساس، توانایی‌های شناختی کودکان تا حد زیادی تحت تأثیر این برنامه‌های تلویزیونی قرار دارند. سن کودک نیز عامل بسیار مهمی است که مشخص می‌کند تلویزیون چگونه بر او تأثیر می‌گذارد. البته نحوه اثرگذاری تلویزیون تحت تأثیر محتوایی است که کودکان در معرض آن قرار می‌گیرند. بدیهی است کودکانی که برنامه‌های آموزشی را مشاهده می‌کنند، در قیاس با کودکانی که برنامه‌های خشن و یا صرفاً سرگرم‌کننده می‌بینند، نمرات بالاتری کسب می‌کنند، بیشتر کتاب می‌خوانند، ارزش بیشتری برای پیشرفت علمی قائل‌اند و خلاقیت بیشتری نیز از خود بروز می‌دهند (دیل، ۲۰۱۱).

نگاهی به نوستالژیک‌های تلویزیون ایران

برخی برنامه‌های تلویزیونی دهه‌های گذشته هنوز از یاد ما نرفته‌اند و تأثیرات آن‌ها در این نسل دیده می‌شود. برای مثال، برنامه «کلاه قرمزی» که در آن نکات اخلاقی آموزش داده می‌شد، «مدرسه موش‌ها» که در آن کودکان به رفتن به مدرسه تشویق و با برخی مقررات آن آشنا می‌شدند، «خونه مادربزرگه» که در آن آموزش نکات اخلاقی درباره همراهی و همکاری و زندگی اجتماعی صورت می‌گرفت و یا «الستون و ولستون» که با آن نکات بهداشتی مربوط به دهان و دندان را به کودک آموزش می‌دادند.

بررسی تأثیر کارتون‌های خوشونت‌آمیز بر الگوی رفتاری کودکان

نتایج یک پژوهش نشان داده است که تماشای کارتون‌های خوشونت‌آمیز (مانند لاک‌پشت‌های نینجا) بر میزان پرخاشگری کلی پس از تماشا و سه عامل آن یعنی خشم،

سازنده صدا و سیما در تربیت نسل آینده، این سازمان نیازمند نوعی خط‌مشی‌گذاری علمی در حوزه برنامه‌سازی کودک و نوجوان است که از یک سو، چشم‌اندازمحور باشد و از سوی دیگر، به نحوی مسئله‌محور صورت پذیرد. رسانه به عنوان تربیتگر یا مربی می‌تواند به فرصت یا ابزاری در دست مربیان تبدیل شود (رحیمی، ۱۳۹۳). با این حال، در کشور ما بعضاً رسانه‌های جمعی و از جمله تلویزیون، گفتمانی سنجیده، حساب شده و علمی در باب کودکان ندارند. موفقیت در زمینه برنامه‌سازی برای کودک و نوجوان در سازمان صداوسیما، مستلزم برخورداری از خط‌مشی‌های صحیح در این حوزه است.

تأثیر شخصیت‌های کارتون بر کودک

بنابر مطالعات انجام شده، کودکان به دلایل مختلف به تماشای تلویزیون و دیدن کارتون و انیمیشن‌های مختلف می‌نشینند، لذت ناشی از سرگرم شدن و تماشای تلویزیون به عنوان سرگرمی، اولین دلیل روی آوردن آن‌ها به تلویزیون است. کودکان، برنامه‌ها را با توجه به جذابیت و هیجان‌انگیز بودنشان طبقه‌بندی می‌کنند و تخیلات و رؤیاهایشان را در برنامه‌ها تجربه می‌کنند، گاهی به همانندسازی با شخصیت‌های پر شور و نشاط مورد علاقه خود می‌پردازند و گاهی برای فرار از واقعیات پیرامون خویش، به برنامه‌های تلویزیون روی می‌آورند.

به دلیل جذابیت کارتون‌ها حتی فعالیت‌های جسمی کودکان نیز کمتر از قبل شده است. تماشای کارتون، نگرش و رفتار کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کودکان تمایل پیدا می‌کنند که هر آنچه را از طریق مشاهده کارتون فرا می‌گیرند، به نوعی در دنیای واقعی به معرض نمایش بگذارند. بر این



تماشای کارتون،
نگرش و رفتار
کودکان را تحت
تأثیر قرار می‌دهد.
کودکان تمایل
پیدا می‌کنند که
هر آنچه را از طریق
مشاهده کارتون فرا
می‌گیرند، به نوعی
در دنیای واقعی
به معرض نمایش
بگذارند

اثرگذار در زمینه کودک و نوجوان امکان‌پذیر است.

۲. برای تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی مناسب باید بین کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف مانند رسانه‌ها، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، پزشکان اطفال و کارشناسان دوره‌های مختلف آموزشی و برنامه‌سازان ارتباط نزدیک برقرار شود و پیشنهادهای علمی این متخصصان اجرایی گردد.

۳. برای تحقق سیاست‌ها و تصمیمات نظارتی صداوسیما، لازم است نهادهای نظارتی در این سازمان تأسیس شود. همچنین اقدامات پیشگیرانه‌ای در زمینه به حداقل رساندن تأثیرات سوء برخی برنامه‌ها صورت گیرد. یکی از وظایف مهم این نهاد نظارتی، آموزش والدین و ارائه راهکارهای عملی به آنان برای ایفای نقش نظارتی در زمینه تماشای کارتون توسط فرزندانشان است. همچنین لازم است در نظرسنجی‌ها دقیق‌تر عمل شود، نظرات والدین و کودکان به‌طور جزئی واکاوی گردد و سیستم نظرسنجی و بازخورد ارزشیابی برخط (آنلاین) باشد تا نتایج بهتری حاصل شود.

۴. با توجه به پشتوانه فرهنگی و تاریخی غنی کشورمان ایران و وجود اسطوره‌ها و شخصیت‌های بزرگ برای دفع تهاجم فرهنگی، باید به شکل مناسبی در این زمینه فرهنگ‌سازی کنیم و از اسطوره‌های کشورمان در ساخت کارتون‌ها بهره ببریم.

سخن آخر

همه ما به تغذیه کودکان مان بسیار توجه می‌کنیم، امید است از این پس به غذای روح و ذهن آن‌ها، که از طریق دنیای اطرافشان دریافت می‌کنند، نیز بیشتر توجه کافی داشته باشیم.

پرخاشگری کلامی و خصومت - که بلافاصله پس از تماشا اندازه‌گیری شد - تأثیری ندارد اما یافته مهم تحقیق در جهت اثبات تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر افزایش پرخاشگری فیزیکی نوجوانان بلافاصله پس از تماشا است. افزایش پرخاشگری فیزیکی پس از تماشا در واقع تحقق یادگیری نهفته اعمال پرخاشگرانه بوده است. بر این اساس، نتیجه این بخش از پژوهش حاضر را می‌توان در راستای نظریه یادگیری مشاهده‌ای بندورا و تحقیقات وی دانست. طبق این نظریه، ممکن است افراد بدون دریافت تقویت، از طریق مشاهده رفتار پرخاشگرانه الگو، رفتار وی را بیاموزند اما آن را در عمل بروز ندهند. نکته قابل توجه دیگر در نظریه یادگیری مشاهده‌ای، تأثیر تقویت و تنبیه جانشینی است. بر این اساس، افراد بدون دریافت پاداش بلکه حتی با مشاهده سرمشق‌هایی که با رفتارهای پرخاشگرانه به پاداش می‌رسند، این رفتارها را می‌آموزند. در نتایج این پژوهش نیز مشاهده می‌کنیم که افراد شخصاً به پاداش نمی‌رسند بلکه با مشاهده شخصیت‌های موجود در فیلم سینمایی کارتون، رفتار پرخاشگرانه آنان را یاد می‌گیرند و به صورت بالقوه آشکار می‌کنند.

بررسی تأثیر کارتون‌های مذهبی بر الگوهای رفتاری کودکان

بر اساس یافته‌های پژوهشی، می‌توان ادعا کرد که دیدن کارتون‌های مذهبی توسط دانش‌آموزان می‌تواند در دین‌داری آنان تأثیرگذار باشد. نتایج حاصله حاکی از این است که کودکان با دیدن کارتون‌های منتخب در یک تحقیق در هر سه مؤلفه دین‌داری یعنی باور دینی، عواطف دینی و رفتار دینی تغییر معناداری پیدا کردند. بنابراین دین و رسانه، به‌ویژه تلویزیون، با یکدیگر ناسازگاری ندارند و می‌توانند با تعامل با یکدیگر زمینه بروز تغییرات مثبتی را در دانش و رفتار دینی کودکان به وجود آورند. بر این اساس است که در سراسر دنیا شبکه‌های تلویزیونی مختلفی در این راستا گام برمی‌دارند. کودکان چیزی را که مشاهده می‌کنند، به ذهن می‌سپارند و به تفسیر رفتار شخصیت‌های موردعلاقه خود در فیلم‌ها و کارتون‌ها می‌پردازند و در نهایت، می‌کوشند گویش، نگرش و رفتار آن‌ها را تقلید و از آن‌ها الگوبرداری کنند. البته باید توجه داشت که این الگوبرداری پشتوانه رفتاری - شناختی دارد؛ همانگونه که بندورا در نظریه خود به آن اشاره کرده است.

پیشنهادهای

۱. لازم است دست‌اندرکاران امر تهیه و پخش فراورده‌های رسانه‌ای برای ایجاد برنامه رسانه‌ای سالم برای این گروه‌های سنی، در به حداکثر رساندن سودمندی‌ها و کمینه ساختن ضررهای محصولات تولیدی و یا خریداری شده بسیار اهتمام ورزند و این امر با ایجاد نظام رده‌بندی و اتاق اندیشه‌ورز فعال و

منابع

۱. صادقی‌نیا، سارا و نبی‌اسدی، مجید. (۱۳۹۴). بررسی میزان تأثیر کارتون‌ها بر الگوهای رفتاری کودکان. اولین کنفرانس بین‌المللی هنر، صنایع دستی و گردشگری شیراز، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
۲. صمدی، فهیمه و مختاریان‌پور، مجید. (۱۳۹۶). خط‌مشی‌گذاری سازمان صداوسیما در حوزه برنامه‌سازی کودک و نوجوان. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیست و چهارم، شماره ۲.
۳. گرجی‌بندی، پریرسا. (۱۳۹۱). توسعه فرهنگی در برنامه‌های کودک سیمای نشریه تفکر و کودک، دوره سوم، شماره ۲، صص ۱۳۳ تا ۱۶۵.
۴. حسینی‌انجذانی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان. نشریه پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۸۱ تا ۹۹.
۵. حاجی‌محمدی، علی و راووداد، اعظم. (۱۳۹۳). فرهنگ مردم‌پسند و سیاست بین‌المللی (تحلیل بصری برنامه هسته‌ای ایران در کارتون‌های سیاسی آمریکا از منظر مطالعات فرهنگی). نشریه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، دوره ۱۵، شماره ۲۶، صص ۱۰۵ تا ۱۳۰.
۶. اسدیان، سیروس و مقدم، مرضیه. (۱۳۹۴). تأثیر کارتون‌های مذهبی در دینداری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، شماره ۳، صص ۱۳۳ تا ۱۵۵.



چشم‌ها و دست‌ها

تأثیر هماهنگی چشم و دست در پیشرفت یادگیری

● سمیه الله‌پناه / کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

اشاره

انسان نقش اساسی دارد؛ چون طی این دوره، مبنا و اساس رشد بعدی پایه گذار می‌شود. لذا هر تحول و نوآوری آموزشی را باید از سال‌های اولیه کودکی مورد توجه قرار داد و برنامه‌ریزی‌های آموزشی دوران کودکی و بعد از آن را بر پایه و بنیان قوی بنا نهاد. یکی از زمینه‌هایی که رابطه آن با یادگیری و پیشرفت تحصیلی مشخص شده، هماهنگی دیداری-حرکتی است (والاس، جرالد و مک‌لافین، ۱۳۶۹). کودکان برای استفاده از آموزش‌های دبستانی باید از این نظر به سطح رشد لازم رسیده باشند. هماهنگی دیداری-حرکتی در ارتباط با توانایی یکپارچه کردن مهارت‌های پردازش اطلاعات بینایی با حرکات ظریف یا به عبارت دیگر هماهنگی چشم و دست مطرح می‌شود (مزگان و مینایی، ۱۳۸۲؛ به نقل از یوسفی، ۱۳۹۰).

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های دیداری-حرکتی، پیشرفت تحصیلی کودکان پیش‌دبستان، رشد، هماهنگی چشم و دست

در عصر حاضر، تعلیم و تربیت و به‌طور کلی یادگیری بخش مهمی از زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد. به‌علاوه، کیفیت و کمیت یادگیری نقش مهمی در زندگی آینده فرد دارد؛ زیرا نه تنها دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها، بلکه جامعه نیز مبالغ زیادی را صرف تحصیل دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی می‌کند (قایدرحمتی و همکاران، ۱۳۹۶). ارقام یونسکو نشان می‌دهد که مجموعه هزینه‌های دولت‌ها برای تعلیم و تربیت در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته است. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از مهم‌ترین و عینی‌ترین معیارها برای بررسی و ارزیابی کارایی و اثربخشی نظام آموزشی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵). بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که تجربه آموزش‌های پیش‌دبستانی می‌تواند بیشترین شرایط رشد و پیشرفت را در اختیار کودک بگذارد. سال‌های اولیه زندگی در رشد جسمانی، اجتماعی، شناختی و زبانی



چشم با دست دچارند (گیل اسپای و جانسون، ۱۹۷۴). همچنین، بسیاری از مشکلات نوشتن، نسخه برداری و دنبال کردن خطوط ممکن است از هماهنگی ضعیف میان چشم و دست ناشی شود (والاس و مک لافلین، ۱۳۷۶).

پیامدهای اختلال دیداری- حرکتی

ایجاد هرگونه اختلال دیداری- حرکتی و یا تأخیر در این مهارت در کودکان اغلب سبب بروز مشکل در زمینه الگو برداری از نوشته ها می شود. (موریسون، ۲۰۰۳؛ به نقل از کشاورزی ارشدی و ابراهیمی، ۱۳۹۰) و کودکانی که در تحول دیداری- حرکتی و هماهنگی حرکتی دچار مشکل می شوند، در همان سنین اولیه زندگی اشکالاتی نشان می دهند. نتایج بررسی های شجاعی (۱۳۹۱) نشان می دهد یکی از حیطه هایی که در کودکان با افت شنوایی ممکن است دچار اختلال باشد، مهارت دیداری- حرکتی است. این مهارت علاوه بر اینکه نقش مهمی در دو عملکرد اساسی خواندن و نوشتن دارد، از مهارت های لازم برای برقراری ارتباط غیر کلامی است. بنابراین، به کارگیری روش های ارزیابی جهت شناسایی نقاط ضعف دانش آموزان در این زمینه و ارائه برنامه های توان بخشی مناسب برای کودکان با آسیب شنوایی ضروری است. از سوی دیگر، گتمن معتقد است که چشم ما هنگام حرکت، نسبت به زمانی

که حرکت نمی کنیم تصاویر بیشتری را از جهان اطراف دریافت می کند؛ بنابراین، حرکت و به ویژه بازی های حرکتی، تغییرات مثبتی در ادراک دیداری به وجود می آورند. نتایج پژوهش های احمدزاده و همکاران (۱۳۹۳) و عقدایی و همکاران (۱۳۹۶) حکایت از تأثیر مطلوب بازی های بومی- محلی (مانند وسطی، سنگ چلیپا، هفت سنگ، دستش ده، یک قل

دوقل، گوشه بازی، گرگم به هوا، این توپ توپ شیطونه، تاج توپ (بدو بگیر)) بر مهارت های دیداری- حرکتی کودکان دارد؛ زیرا این گونه بازی ها با تأثیر گذاشتن بر رشد عضلات بزرگ و کوچک، رشد سلسله اعصاب، حساسیت حسی و تحریک لمسی، توجه و تمیز شنیداری، سرعت عمل، دستگاه دهلیزی و تعادل، مهارت های حرکتی پایه و مهارت های ادراکی و دیداری- حرکتی را تقویت می کنند (حمیدیان جهری و همکاران، ۱۳۹۱).

همچنین، تحقیق قلیچ پور و همکاران (۱۳۹۲) نشان می دهد که تمرین طناب زنی بر رشد ادراکی- حرکتی در بعد هماهنگی چشم و دست تأثیر گذار است و تحقیقات احمدزاده و همکاران (۱۳۹۳) اثربخشی برخی بازی های رایانه ای از قبیل ماهی و حباب و ۱ و جوجه مرغ ۲ بر ادراک دیداری- حرکتی کودکان را مشخص کرده است.

یکپارچگی دیداری- حرکتی، نوعی توانایی عمومی است که مهارت های پردازش اطلاعات بینایی را با مهارت های حرکتی هماهنگ می سازد، که نام دیگر آن هماهنگی چشم و دست می باشد. هماهنگی چشم و دست زمانی رخ می دهد که کودک بتواند میان آنچه می بیند، با حرکت اعضای بدن و به خصوص حرکات دست ها هماهنگی ایجاد کند. ساده ترین مثال از فعالیتی که نیازمند هماهنگی چشم و دست می باشد، گرفتن توپ است. کودک باید مجموعه ای قضاوت های بینایی، از جمله تعیین سرعت و جهت یابی، را انجام دهد و سپس این ها را به پاسخ حرکتی مناسبی در دست و بدن خود تبدیل کند. چنانچه این یکپارچگی دیداری- حرکتی صحیح باشد، کودک قادر خواهد بود توپ را بگیرد. یک مورد انتزاعی تر از این دسته مهارت ها که به سطوح بالاتر مربوط می شود نوشتن است (ولاست، لارسن و الکسنین، ۱۹۹۸). این مهارت در رشد عملکرد دست نقش اساسی دارد.

پیامدهای رشد مهارت دیداری- حرکتی

رشد مهارت های دیداری- حرکتی علاوه بر تثبیت چشمی، تا حد زیادی وابسته به رشد مهارت های بینایی- فضایی، تجزیه و تحلیل بینایی و یکپارچگی دیداری- حرکتی می باشد. مهارت بینایی- فضایی این امکان را به کودک می دهد که تقابل صحیحی با محیط داشته باشد و به قضاوت صحیحی از جایگاه اشیا در فضای بینایی در مقایسه با سایر اشیا و نسبت به بدن خود برسد. از دیگر اجزای مهارت دیداری- حرکتی، مهارت یکپارچگی دیداری- حرکتی است که به توانایی یکپارچه کردن مهارت های پردازش اطلاعات بینایی با حرکات ظریف اطلاق می شود. این مهارت عمدتاً با توانایی ترسیم در کودک و هماهنگی چشم و دست او مورد بررسی قرار می گیرد (شجاعی، ۱۳۹۱). در کودک، رشد هماهنگی چشم و دست ابتدا تصادفی است. سپس، با لمس شیء، چشم دست را تعقیب می کند و آنچه را می بیند، دست احساس می کند (بیری، ۱۳۸۳). این مهارت با دنبال کردن اشیا توسط کودک پدید می آید و به طور تدریجی تکامل می یابد و تأکید ویژه ای بر مهارت های پیش نوشتاری و پیش خواندن کودکان ۳ تا ۵ ساله دارد (والاس و مک لافلین، ۱۳۶۹). اگر کودک در این مهارت ضعیف باشد، در بسیاری از فعالیت های درسی با مشکل مواجه خواهد شد. به همین دلیل، هماهنگی دیداری- حرکتی در تمام فعالیت های درسی و مهم تر از همه در خواندن و نوشتن کودکان نقش اساسی دارد. بر این اساس، برای یادگیری نوشتن لازم است در بسیاری از مهارت های حرکتی، برنامه ریزی حرکتی و هماهنگی حرکات ظریف انگشت ها و هماهنگی چشم و دست، مهارت و تبحر ایجاد شود (لرنر، ۱۳۸۴). اغلب گفته می شود کسانی که در خواندن نارسایی دارند، به مشکل مهارت های فرعی حرکتی ظریف یعنی هماهنگی

هماهنگی چشم و دست زمانی رخ می‌دهد که کودک بتواند میان آنچه می‌بیند، با حرکت اعضای بدن و به خصوص حرکات دست‌ها هماهنگی ایجاد کند



چند نمونه بازی‌های حسی-حرکتی

با توجه به مطالب ارائه شده، فعالیت‌های زیر جهت تقویت ادراک دیداری-

حرکتی کودکان پیش‌دستان و پایه اول دبستان پیشنهاد می‌گردد:

● بازی ۱: از کودک بخواهید توپ تنیس را با دست برتر خود به زمین بزند و با همان دست آن را دریافت کند.

● بازی ۲: توپ تنیس را با دست برتر خود به زمین بزند و با دست مخالف آن را دریافت نماید.

● بازی ۳: برای این بازی به یک توپ احتیاج دارید. کودک پشت به مربی قرار می‌گیرد و مربی توپ را از بالای سر کودک به آرامی رها می‌کند. کودک باید بتواند توپ را بدون برخورد با زمین دریافت نماید.

● بازی ۴: از کودک بخواهید توپ تنیس را با دست غیر برتر خود به زمین بزند و با همان دست آن را دریافت نماید.

● بازی ۵: از کودک بخواهید توپ تنیس را با دست غیر برتر خود به زمین بزند و با دست مخالف (دست برتر) آن را دریافت نماید.

● بازی ۶: از کودک بخواهید در فاصله ده قدمی مقابل دوست خود بایستد و توپ تنیس را در میانه فاصله با دوست خود با دست برتر به زمین بزند. طرف مقابل آن توپ را با دست غیر برتر دریافت نماید. این رفت و برگشت را چند بار انجام دهد و دست دریافت‌کننده توپ را جابه‌جا کند.

● بازی ۷: برای این بازی به یک کفگیر، راکت بدمینتون و یک بادکنک باد شده احتیاج است. از کودک بخواهید در فاصله ده قدمی مقابل دوست خود بایستد. یک نفر کفگیر و نفر دیگر راکت بدمینتون را در دست بگیرد و با هم بدمینتون بازی کنند. مراقب باشند که بادکنک به زمین برخورد نکند. تعداد رفت و برگشت بادکنک را شمرده شود.

● بازی ۸: برای این بازی به دو مانع ترافیکی و یک توپ تنیس احتیاج است. از کودک بخواهید مقابل دوست خود در فاصله دو متری قرار بگیرد؛ موانع ترافیکی را به شکل دروازه در وسط این فاصله بگذارید و سعی کند توپ را به گونه‌ای روی زمین قل دهد که از دروازه رد شود.

● بازی ۹: برای این بازی به یک طناب و تعدادی گیره لباس و کارت یا برگه کاغذ ۱۰ در ۱۰ احتیاج دارید. طناب را در کلاس نصب کند و از کودکان بخواهید که کارت‌ها را یکی یکی به طناب با گیره کاغذ نصب کنند. برای مهیج کردن بازی می‌توان آن را به شکل مسابقه در یک فاصله زمانی محدود اجرا کرد. هر کودکی که تعداد کارت‌های بیشتری به طناب نصب کند، برنده بازی خواهد بود.

● بازی ۱۰: برای این بازی به یک طناب و تعدادی بطری پلاستیکی احتیاج دارید. طناب را در کلاس نصب نماید؛ درپوش بطری‌ها را از آن‌ها جدا کند و با چسب حرارتی به طناب بچسباند. حال از کودکان بخواهید بطری‌ها را به درپوش آن‌ها محکم کنند. می‌توانید مسیر رفت و برگشت ایجاد کند و از یکی از کودکان بخواهید درپوش‌ها را ببندد و کودکی دیگر آن‌ها را باز کند.

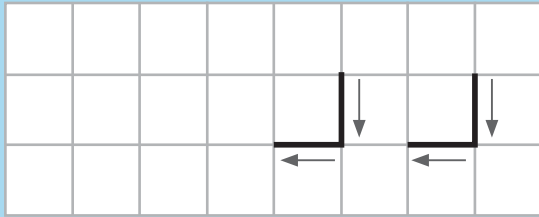
● بازی ۱۱: برای این بازی به تعداد زیادی توپ کوچک و یک سطل یا سبد پلاستیکی احتیاج دارید. سطل را در اختیار کودک قرار دهید. از او بخواهید توپ‌هایی را که به سمتش پرتاب می‌کند، با در معرض قرار دادن سطل به داخل آن هدایت کند. تعداد توپ‌های داخل سطل را بشمارید. این بازی زمانی که به شکل مسابقه برگزار می‌شود، بسیار مهیج و نشاط‌آور خواهد بود.

● بازی ۱۲: برای این بازی فقط به انگشتان دو دست احتیاج است و باید اسم انگشتان دست را کامل بلد باشد (انگشت کوچک، حلقه، وسط، اشاره و شست). از کودک بخواهید حالا انگشت شست و انگشت اشاره را لمس کند و به همین ترتیب انگشت‌های دیگر را، شست به وسط، شست به حلقه و در آخر شست به انگشت کوچک. این بازی را با هر دو دست و با سرعت‌های متفاوت می‌تواند انجام دهد.

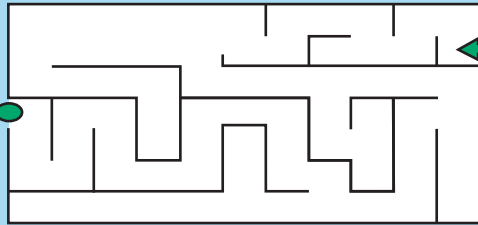
● بازی ۱۳: برای این بازی عددهای ۱ تا ۵ را درشت و به اندازه قد کودک روی دیوار بنویسید. کودک روبه‌روی دیوار قرار می‌گیرد و مربی شماره‌ها را یکی یکی با صدای بلند و به‌طور واضح ادا می‌کند. کودک بعد از بیان هر عدد، باید دست خود را به آن بزند. بعد از اینکه کودک بازی را فرا گرفت، سرعت ادای اعداد و عکس‌العمل کودک را بالا ببرید. این بازی علاوه بر تقویت هماهنگی چشم و دست، به توجه شنیداری کودک نیز کمک خواهد کرد.

● بازی ۱۴: برای این بازی به یک بادکنک احتیاج دارید. دو کودک مقابل هم قرار می‌گیرند و بادکنک را به سمت هم پرتاب می‌کنند. قبل از آنکه بادکنک به زمین برخورد کند، کودکان باید جایشان را با یکدیگر عوض کنند و دوباره بادکنک را به سمت هم پرتاب کنند.

ایجاد هرگونه اختلال دیداری- حرکتی و یا تأخیر در این مهارت در کودکان اغلب سبب بروز مشکل در زمینه الگوبرداری از نوشته‌ها می‌شود

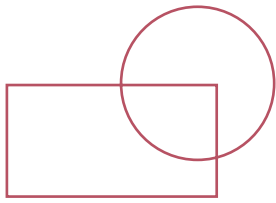


شکل ۳: نگاره‌ها



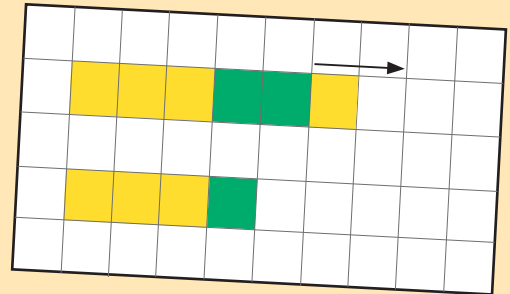
شکل ۴: ماز

عزیز دلم شکل چارگوش را از بین شکل‌های زیر با رنگ آبی رنگ بزن



شکل ۵: تشخیص شکل از زمینه

همچنین فعالیت‌های مداد- کاغذی مانند: رنگ‌آمیزی در فواصل معین و بسته (شکل ۱)، تکمیل تصاویر ناتمام (شکل ۲)، انواع نگاره‌نویسی‌های سال‌های پیش از دبستان (شکل ۳)، بازی با مازها (شکل ۴)، تشخیص شکل از زمینه (شکل ۵) با هدف تقویت مهارت ذکر شده پیشنهاد می‌گردد.



شکل ۱: رنگ‌آمیزی در فواصل معین و بسته



شکل ۲: تکمیل تصاویر ناتمام

پی‌نوشت‌ها

۱. Bubble fish
۲. Chicken Little

منابع

۱. احمدزاده، زهرا؛ عبدی‌مقدم، سعید؛ فرخی، احمد. (۱۳۹۳). تأثیر بازی‌های رایانه‌ای و بومی محلی بر هماهنگی چشم و دست کودکان هفت تا ده‌ساله. مجله رفتار حرکتی، شماره ۱۵، صص ۶۱-۷۲.
۲. حمیدیان جهرمی، نادر؛ رضاییان، فیروز؛ حقیقت، شهریانو. (۱۳۹۱). تأثیر بازی‌های بومی و محلی بر رشد ادراک دیداری- حرکتی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آمادگی و سال اول ابتدایی شهر شیراز، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۱۱، صص ۳۸-۲۹.
۳. شجاعی، رویا. (۱۳۹۱). بررسی مهارت بینایی حرکتی در کودکان آسیب‌دیده شنوایی. مجله تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۱۱۱، صفحه ۶۷-۷۲.
۴. عقدایی، مهین؛ عظیم‌زاده، الهام؛ اکبری‌دادفر. (۱۳۹۶). تأثیر بازی‌های بومی

محلی بر مهارت‌های بینایی حرکتی دانش‌آموزان با توجه به تجربه بازی‌های رایانه‌ای. مجله رفتار حرکتی، شماره ۲۹، صص ۱۶۹-۱۸۱.

۵. فراستیگ، ماریان؛ لف‌آور، ولتی و ویلتسی. (۱۳۸۸). آزمون پیشرفته ادراکی- بینایی فراستیگ، تشخیص و درمان. مترجمان: مصطفی تبریزی و معصومه موسوی. تهران: انتشارات فراروان.

۶. قاسمی، بنت‌الهدا؛ عابدینی، صدیقه؛ عابدینی، مهنوش. (۱۳۹۵). مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۵۱.

۷. فایدرحمته، معصومه؛ بختیساری، لیلا؛ فرزند، ولی‌الله. (۱۳۹۶). نوآوری‌های آموزشی، شماره ۳۶، صص ۱۴۵-۱۳۳.

۸. قلیچ‌پور، بنیامین؛ شهبازی، مهدی؛ باقرزاده، فضل‌الله. (۱۳۹۲). رشد و یادگیری حرکتی ورزشی، دوره پنجم، شماره ۴، صفحه ۵۷-۷۰.

۹. کشاورزی ارشدی، فرناز؛ ابراهیمی، الناز. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش ترسیم بر کارکرد دیداری حرکتی در کودکان دارای تأخیر رشدی در سنین پیش‌دبستانی، تحقیقات روان‌شناختی، ۹، ۸۰-۶۱.

۱۰. لرنر، ژانت دلیو. (۱۳۸۴). ناتوانی‌های یادگیری. مترجم: عصمت دانش. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۱. والاس، ج و مک‌لافلین، ج. (۱۳۸۰). ناتوانی‌های یادگیری. مترجم: منشی طوسی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۲. یوسفی، سواره. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر برنامه‌ریزی چندبعدی بر میزان رشد هماهنگی دیداری- حرکتی کودکان دوره آمادگی ۵ و ۶ ساله در شهرستان کرج در سال تحصیلی ۹۰-۸۹، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

نمی‌توانم یاد بگیرم!

زهرا شعبان / درمانگر کودک و نوجوان

زمانی که کودکان به کودکستان پا می‌گذارند، حافظه‌شان را به کار می‌گیرند تا بتوانند از پس کارهای روزمره خود برآیند؛ مثلاً باید بتوانند نام دوستانشان را به خاطر بسپارند تا در زمان بازی آن‌ها را صدا بزنند. شاید این ابتدایی‌ترین مهارت مورد نیاز، برای برقراری ارتباط با هم‌کلاسی است. حافظه به انسان کمک می‌کند که مطالب را ذخیره و یادآوری کند تا در فعالیت‌های مورد نیاز از آن‌ها بهره ببرد. برای شروع یادگیری به حداقل گنجایش برای حافظه نیاز است. اگر حجم مطالب ارائه شده به کودک فراتر از گنجایش حافظه او باشد، مانند لیوانی که ته آن سوراخ است، اطلاعات ثبت نمی‌شود. در میان حافظه‌ها، حافظه کوتاه‌مدت از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چرا که تنها مطالبی ذخیره و به یادسپاری می‌شوند که وارد این حافظه شده باشند (سیف، ۱۳۸۸). حافظه کوتاه‌مدت، خود به دو دسته حافظه شنوایی و دیداری تقسیم می‌شود. هر کدام از این حافظه‌ها با حواس مورد نظر در ارتباطند و اطلاعات مربوط به آن را ثبت می‌کنند. برای گنجایش

اشاره

معلم یک بار دیگر تکرار می‌کند و دانیال بار دیگر سردرگم به او خیره می‌شود. معلم از او می‌خواهد جملاتی را که بارها تکرارشان کرده است، بگوید اما انگار او فقط کلمات اول و آخر را به یاد می‌آورد. نشانه‌های شرمندگی در چهره کودک نمایان می‌شود و معلم می‌گوید که روز بعد باز هم با او تمرین خواهد کرد. معلم دفعه بعد تلاش می‌کند بیشتر تکرار کند، از هم‌شاگردی‌های دانیال می‌خواهد به او کمک کنند و خود با بازی و نمایش به او یاد می‌دهد اما موفق نمی‌شود. گاهی معلم با خود فکر می‌کند «شاید او نمی‌تواند یاد بگیرد!»

کلیدواژه‌ها: حافظه دیداری، حافظه شنوایی، حافظه کاری و گنجایش حافظه





و چتر. سپس یک دقیقه به کودک زمان داده می‌شود تا تصاویر را به خاطر بسپارد. بعد از اتمام این زمان، تصاویر پوشانده می‌شوند و از کودک خواسته می‌شود آن‌ها را به یاد آورد. در مرحله بعد چهار تصویر به کودک نشان داده می‌شود. به همین ترتیب، به تعداد تصاویر اضافه می‌شود تا جایی که کودک نتواند همه تصاویر را به خاطر بیاورد. برای اطمینان بیشتر از گنجایش حافظه تصویری بهتر است آخرین مرحله و یک مرحله قبل از آن، دو بار انجام شود. تعداد تصاویر یادآوری شده، گنجایش حافظه تصویری کودک را نشان می‌دهد.

مطابق با تست هوش و کسلر، برای ارزیابی ظرفیت حافظه شنوایی کودک اعدادی به‌طور تصادفی به او داده می‌شود. سپس از او خواسته می‌شود اعداد گفته شده را با همان ترتیب تکرار کند. برای شروع از دو عدد، مثلاً ۲ و ۵، استفاده می‌شود. توجه داشته باشید که میان هر دو عدد یک ثانیه مکث کنید تا کودک بتواند اعداد را به یاد بسپارد. بهتر است برای اطمینان بیشتر، هر مرحله دوبار تکرار شود. در مرحله بعد، یک عدد اضافه خواهد شد؛ برای مثال، از کودک می‌خواهیم اعداد ۸، ۶ و ۱ را به یاد بسپارد. در نهایت، زمانی که کودک در هر دو تلاش شکست بخورد و نتواند اعداد را به‌درستی بیان کند، تعداد اعداد یادآوری شده، ظرفیت حافظه شنیداری او را نشان می‌دهد. ظرفیت حافظه عددی یک کودک ۶ ساله به‌طور متوسط ۶ عدد است (کامکاری، ۱۳۹۲).



در سال‌های اخیر درباره ارزیابی حافظه کاری نیز تحقیقات زیادی انجام شده است. یکی از کاربردی‌ترین روش‌های ارزیابی این حافظه، آزمون اعداد معکوس در تست هوش و کسلر است. در این آزمون مطابق با آزمون گنجایش حافظه شنیداری، اعدادی تصادفی به کودک داده می‌شود؛ با این تفاوت که از او خواسته می‌شود این اعداد را به‌صورت معکوس به یاد آورد. آزمون ابتدا از دو عدد شروع می‌شود مثلاً ۳ و ۷ و سپس از کودک خواسته می‌شود که این اعداد را به‌صورت معکوس از آخر به اول به یاد آورد؛ یعنی بگوید ۷ و ۳. تعداد اعداد صحیح گفته شده، گنجایش حافظه کاری کودک را نشان می‌دهد. ظرفیت حافظه عددی معکوس یک کودک ۶ ساله به‌طور

حافظه انسان‌های نرمال بین ۵ تا ۹ مورد (یعنی $2+7$) است. (سیف، ۱۳۸۸) اگر گنجایش حافظه کودک کمتر از این میزان باشد، می‌توان گفت که او به میزان قابل توجهی در یادگیری مشکل خواهد داشت و به مرور از هم کلاسی‌هایش عقب خواهد ماند.

نوعی حافظه مهم دیگر نیز وجود دارد که نقش تعیین‌کننده‌ای در یادگیری انسان‌ها دارد و آن حافظه کاری است. اگر هر کدام از حافظه‌ها را مانند لیوان در نظر بگیریم که هر کدام محتوای متفاوتی دارند، حافظه کاری مسئول برداشتن محتواها از لیوان‌های مختلف و استفاده از همه آن‌هاست. حافظه کاری را می‌توان مانند یک «برگه یادداشت ذهنی» در نظر گرفت. ما برای به‌خاطر سپردن کاری که می‌خواهیم انجام دهیم، تعدادی یادداشت‌های ذهنی برمی‌داریم. از حافظه کاری علاوه بر یادآوری اطلاعات، جهت پردازش یا مدیریت آن اطلاعات، حتی در هنگام مواجهه با عواملی که باعث حواس‌پرتی می‌شوند، استفاده می‌کنیم. در یک کلاس شلوغ با هیاهوی هم‌کلاسی‌ها، صدای افتادن مدادها و خش‌خش کاغذها، هر کودکی ناگزیر است آنچه را در اطرافش می‌گذرد نادیده بگیرد و بر کاری که انجام می‌دهد متمرکز شود (سعدی‌پور، ۱۳۹۵).

به مثال قبلی خود برمی‌گردیم؛ کودک برای اینکه بتواند با هم‌کلاسی‌هایش بازی کند، باید اسم‌های مختلف را به یاد آورد (حافظه شنوایی)، چهره دوستانش را از یکدیگر تشخیص دهد (حافظه دیداری)، سپس اسم‌ها را با چهره‌ها مطابقت دهد تا بتواند دوستانش را درست صدا کند (حافظه کاری). چنانچه در روند کار یکی از این حافظه‌ها خللی به وجود آید، نتیجه مطلوب به دست نخواهد آمد. حافظه کاری در اجرای دستورات داده شده به کودکان نقش اساسی دارد. زمانی که معلم از کودک می‌خواهد مداد رنگی‌هایش را از کیفش دربیاورد و با رنگ آبی شروع به رنگ‌آمیزی کند، کودک برای اجرای تک‌تک این دستورات نیازمند استفاده از حافظه کاری است. قطعاً کودکان در آموزش‌های دبستانی نیز به تطبیق و به کارگیری این سه حافظه نیاز زیادی دارند؛ به‌ویژه در دیکته نوشتن که فرایند خوب شنیدن، یادآوری شکل حروف، و تطبیق صدا با شکل حروف اهمیت زیادی دارد. در دوره پیش از دبستان می‌توان ظرفیت حافظه کودکان را مورد ارزیابی قرار داد تا در آینده به مشکلی برخورد نکنند. خوشبختانه در این دوره ظرفیت حافظه کودکان به میزان درخور توجهی قابل اصلاح است. در ادامه، ابتدا روش ارزیابی ظرفیت این سه حافظه و سپس روش‌هایی برای ارتقای آن‌ها معرفی می‌شود.

ارزیابی ظرفیت حافظه

برای ارزیابی ظرفیت حافظه دیداری کودکان می‌توان از کارت‌های تصویری استفاده کرد. بدین ترتیب که ابتدا سه تصویر به کودک نشان داده می‌شود. بهتر است تصاویر با یکدیگر رابطه معناداری نداشته باشند و در هر کارت فقط یک تصویر نشان داده شود؛ مثل تصویر گنجشک، خانه

متوسط ۴ عدد است. (کامکاری، ۱۳۹۲) البته روش ساده‌تری نیز برای ارزیابی حافظه کاری کودکان وجود دارد و آن این است که به کودک دستوراتی می‌دهند و از او می‌خواهند که آن‌ها را به ترتیب انجام دهد؛ مثلاً «در را باز کن و یک لیوان آب بیاور». ظرفیت حافظه کاری کودکان ۶ ساله معادل دو دستور است (سعدی‌پور، ۱۳۹۵).



تصاویری که دیده است را انتخاب کند و آن‌ها را به ترتیب زیر کارتهای مورد نظر قرار دهد. سپس کارتها را به رو برگردانید تا تعداد کارتهایی که به درستی چیده شده‌اند مشخص شود. به مرور برای ارتقای حافظه تعداد کارتها را افزایش دهید.

● تصویری را به کودک نشان دهید و بعد از یک دقیقه آن را پنهان کنید. سپس در مورد اجزای آن از کودک سؤال کنید. مثلاً «کودک توی تصویر دختر بود یا پسر؟ لباسش چه رنگی بود؟» هر بار که کودک نتوانست به سؤال جواب دهد، اجازه دهید برای مدت کوتاهی به تصویر نگاه کند. به مرور، دقت کودک به جزئیات تصاویر بیشتر می‌شود (تبریزی، ۱۳۹۶).

● روی میز وسایلی مانند دفتر، منگنه، چسب و تلفن قرار دهید. از کودک بخواهید چند دقیقه به میز نگاه کند. سپس، آن وسایل را با پارچه بپوشانید و از کودک بخواهید آن‌ها را نام ببرد. به مرور به تعداد ابزارها اضافه کنید.

● تعدادی توپ رنگی تهیه کنید. برای هر رنگ علامتی بگذارید؛ مثلاً برای توپ قرمز از جابلند می‌شویم و برای توپ زرد دست‌هایمان را روی گوشمان می‌گذاریم. سپس توپ‌ها را به ترتیب کنار هم بچینید و از کودک بخواهید به‌طور هم‌زمان عمل موردنظر را انجام دهد. به مرور، تعداد رنگ‌ها را افزایش دهید. (این بازی علاوه بر داشتن جذابیت برای کودکان، تمرین بسیار خوبی برای ارتقای حافظه کاری است) (شعبان، ۱۳۹۷).

روش‌هایی برای ارتقای گنجایش حافظه

چنانچه ارزیابی حافظه‌ها اعدادی پایین‌تر از حد مورد انتظار را نشان داد، می‌توانید از روش‌های زیر برای ارتقای گنجایش حافظه کودک استفاده کنید.

بازی‌هایی برای ارتقای حافظه تصویری

● تعدادی کارت تصویری تهیه کنید (در این بازی به دو نسخه از هر کارت نیاز است). یک نسخه از کارتها را به کودک بدهید و نسخه دیگر آن را به ترتیب روی میز بچینید. بعد از یک دقیقه، کارتهای روی میز را به پشت برگردانید و از کودک بخواهید از میان کارتهایی که در دست دارد

بازی‌هایی برای ارتقای حافظه کاری

● تعدادی شکل هندسی به کودک بدهید و از او بخواهید مطابق با الگو طرحی را بسازد.

● کارتهای دستوری بسازید. به این ترتیب که روی هر کارت عکس یک فعالیت مانند نشستن، دویدن، و باز کردن در کشیده شده باشد. کارتها را روی میز بگذارید و به کودک اجازه دهید دو دقیقه به آن‌ها نگاه کند. سپس از او بخواهید کارها را به همان ترتیب انجام دهد. به مرور به تعداد کارتها اضافه کنید.



بازی‌هایی برای ارتقای حافظه شنوایی

● کارتونی را به کودک نشان دهید و از او بخواهید صداهای شخصیت‌های مختلف آن را به یاد بسپارد. سپس، از او بخواهید بدون نگاه کردن به آن، صحبت کردن شخصیت‌های مختلف را از هم تشخیص دهد. برای مثال می‌توانید از کارتون مدرسه موش‌ها استفاده کنید.

● مقداری حبوبات در ظروف کوچک در بسته بریزید. محتوای ظرف نباید مشخص باشد و در هر ظرف فقط یک نوع حبوبات، مثلاً نخود و لوبیا یا عدس، قرار دهید. سپس از کودک بخواهید با تکان دادن ظرف‌ها محتوای آن‌ها را حدس بزند. (تبریزی، ۱۳۹۶).

● مطابق بازی قبل از سه ظرف استفاده کنید. محتوای دو ظرف را یکسان قرار دهید و از کودک بخواهید با تکان دادن ظروف و گوش دادن به صدای آن‌ها، دو ظرف مشابه را پیدا کند.



● شکل شماره ۱. الگوسازی به کمک اشکال هندسی

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل بسیار مهم در یادگیری کودکان، ظرفیت حافظه‌های دیداری، شنیداری و کاری آن‌هاست. چنانچه گنجایش این حافظه‌ها پایین‌تر از سطح مورد انتظار است، شروع یادگیری به منزله آب در هاون کوبیدن است. برای صرفه‌جویی در وقت و گرفتن بازخورد بهتر از یادگیری کودک، بهتر است پیش از شروع یادگیری ظرفیت حافظه‌های او مورد ارزیابی قرار گیرد و در صورت نیاز از روش‌های ترمیمی برای ارتقای گنجایش حافظه‌های او استفاده شود.

منابع

۱. تبریزی، مصطفی؛ تبریزی، علیرضا، و نرگس. (۱۳۹۶). درمان اختلالات دیکنه‌نویسی، چاپ ۳۸. انتشارات فراروان.
۲. _____ (۱۳۹۶). درمان اختلالات ریاضی. چاپ ۳۰. انتشارات فراروان.
۳. سعدی‌پور، اسماعیل؛ مرتضایی‌فر، سوده. (۱۳۹۵). شناخت حافظه کاری و روش‌های تقویت آن. نشر دیدار.
۴. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). روان‌شناسی پرورشی نوین. ویرایش ششم. انتشارات دوران.
۵. شعبان، زهرا. (۱۳۹۷). مدیریت مهدکودک، راهنمای عملی مدیران و مربیان مهدکودک برای رشد همه‌جانبه کودکان. انتشارات دیباگران تهران.
۶. کامکاری، کامبیز و دیگران. (۱۳۹۲). راهنمای اجرا، نمره‌گذاری و تفسیر نسخه چهارم مقیاس‌های هوش و کسلر کودکان. تهران: علم استاد.
۷. سایت www.Education.com



هویت‌یابی با داستان سرایی در کودکان پیش دبستانی

مقصود خدایاری

رئیس اداره آموزش پیش دبستانی و دوره اول ابتدایی استان زنجان

چکیده

شناخت هویت و آگاهی از خود، در میان اقشار و گروه‌های اجتماعی به دلایلی نظیر تأثیر آن بر انسجام اجتماعی، توسعه، امنیت، قدرت ملی، بحران‌های سرزمینی و منطقه‌ای، سیاست‌گذاری‌های قومی، ملی و آموزشی دولت و بسیاری متغیرهای دیگر، نیازمند رصد دائمی و بازنامی موشکافانه و مداوم است. تعمیق آگاهی از شکل و محتوای هویت عامه و به‌ویژه کودکان ایران اسلامی می‌تواند در تبدیل بحران هویتی حاضر به سلامت روان و غنای اندیشه تأثیر بگذارد و مبنایی برای رفع کاستی‌ها و معایب از هویت ملی ایرانیان شود. در مقاله حاضر، هویت روایی به‌ویژه در ارتباط با کودکان دوره پیش دبستانی بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: هویت، هویت ملی، هویت روایی
کودکان پیش دبستانی

قالب خواسته‌های خود بریزد و شکل دهد. مطابق نظر اریکسون، معمای هویت - یعنی اینکه کسی ممکن است که باشد یا که بشود - به شکلی گیج‌کننده گریبان کودکان جوامع پیشرفته شهری را گرفته است. وی معتقد است که سازوکار (مکانیسم)‌های سازگاری، که زمانی در گذشته راه را برای انطباق تکاملی و جافتادن در قبیله و انسجام کاست‌ها و همگونی ملی هموار می‌کردند، اکنون در تمدن صنعتی معلق و بلا تکلیف مانده‌اند. کودکان چون از امکان مشارکت در ضرباهنگ موروثی اجتماعی - یعنی ورود گام به گام به زندگی بزرگ‌سالی - محروم مانده و عمدتاً در محیط‌های آموزشی جدا از زندگی واقعی محصور شده‌اند، ناگزیر باید بدون راهنمایی هر سنت قابل استفاده‌ای، راه خود را در تاریکی به سوی خودآگاهی بیابند. به عبارت دیگر، آنان در دل خشونت و سخت‌گیری‌های خاص روزگار معاصر رها شده و یا به دامان دنیایی رانده شده‌اند که چنان که باید، برای ورود به آن آماده نیستند (هیوز، ۱۳۷۶).

هویت ملی

نظام معنایی هویت، از طریق تعاملات اجتماعی، عضویت در گروه‌های اجتماعی و سیاسی و رفت‌وآمد در میان شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی جهانی، پیوسته مورد بازبینی و بازتعریف قرار می‌گیرد. در این خصوص، جهت‌گیری و رفتار فرد، به انواع هویت‌های ادراک‌شده او در زندگی روزمره بستگی دارد. از سوی دیگر، باید گفت هویت‌هایی که در ابتدای حیات فرد شکل می‌گیرند، مانند خویشن، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت، هویت‌های اولیه‌ای هستند که در مراحل بعدی زندگی نسبت به هویت‌های ثانویه (هویت اجتماعی) اندکی مستحکم‌تر و در برابر دگرگونی انعطاف‌ناپذیرترند (بیات و یوسفی، ۱۳۹۴).

هویت ملی، یعنی سخن گفتن درباره ویژگی‌های یک ملت به همراه احساس تعلق، تعهد و وابستگی عاطفی و ذهنی به نمادها و عناصر ویژه و امتیازدهنده به آن ملت، در این رابطه، فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق به عناصر و نمادهایی نظیر تاریخ، سرزمین، دین، مفاخر فرهنگی، دولت، زبان و ادبیات ملی می‌داند و در مقابل آن‌ها احساس افتخار، تعهد، وفاداری و یا تکلیف می‌کند. این آگاهی به‌عنوان زبانی مشترک و بر مبنای یک

امروزه سؤال کردن درباره هویت خود، به دست آوردن شناخت و آگاهی نسبت به آن و کسب اطلاع از شباهت خود به دیگری و تمایز از او، در کنار احساس تعلق به مجموعه مشابهی از خودی‌ها و احساس تفاوت با دیگران متفاوت یا غیرخودی‌ها به محور مباحث فکری، فلسفی، اجتماعی و سیاسی معاصر تبدیل شده است. بررسی آثار پژوهشی این حوزه معلوم می‌سازد که هویت پدیده‌ای است پویا، متغیر، چند بعدی، ترکیبی، سیال با ساختی انباشتی و ذهنی، که از دیالکتیک میان فرد و جامعه سر بر می‌آورد. هر ساختار اجتماعی، سلسله مراتبی از ارزش‌ها را به افراد خود القا می‌کند. در این میان، شناخت و راه‌یابی به چگونگی شکل‌گیری هویت در کودکان، حتی با مخاطرات بیشتری مواجه می‌شود. انعطاف‌پذیری وضعیت کودکی باعث می‌شود که هر فرهنگ و نهادی تا اندازه بسیار زیادی از طریق فرمان‌برداری و انطباق اجتماعی، شخصیت کودک را در





کودکان و هویت ملی

شناخت هویت و آگاهی از خود ملی در میان اقشار و گروه‌های اجتماعی به‌ویژه گروه کودکان، به دلالی نظیر تأثیر آن بر انسجام و وفاق ملی، توسعه، امنیت، قدرت ملی، بحران‌های سرزمینی و منطقه‌ای، سیاست‌گذاری‌های قومی، ملی و آموزشی دولت و بسیاری متغیرهای دیگر، نیازمند رصد دائمی و بازتابی موشکافانه و مداوم است اما برای این منظور، باید دانست که امروزه جامعه‌شناسی کودک بر خلاف نظریه‌های مبتنی بر روان‌شناسی تحولی، کودکان را بزرگسالانی ناقص یا نابالغ نمی‌شمارد که برای رسیدن به یک غایت آرمانی و تخیلی، مدتی در چنبر رشد شناختی، جسمی، عاطفی و اجتماعی گرفتار می‌شوند (مک‌دونالد، ۲۰۰۷).

اگر کودکان را به‌عنوان یک گروه اجتماعی و نهاد فرهنگی و بخشی از نظام اجتماعی به رسمیت بشناسیم، از لحاظ منطقی آن‌ها را در مقام عوامل و کنشگرهای اجتماعی صاحب حق تلقی خواهیم کرد. از این منظر، در بحث

فرهنگ عمومی، یعنی نظامی از ایده‌ها، نشانه‌ها، معاشرت و رویه‌های رفتاری مشترک، در میان اعضای یک گروه ملی به رسمیت شناخته می‌شود. با این حال، نباید تصور کرد که هویت ملی، مقوله‌ای از پیش ساخته، دارای نظم طبیعی، زیستی و موروثی و پایدار است.

چالش‌های هویت ملی

امروزه با توجه به ماهیت پیچیده شبکه‌های مجازی و نفوذ آن‌ها در میان مردم، رواج دادن گفتمان رسمی هویت ملی در جامعه و سازگار نبودن احتمالی این گفتمان با گفتمان‌های رقیب، به بحران هویت و ناکارآمدی حاکمیتی دامن می‌زند. افزون بر این، با رواج مفاهیمی تازه در روابط بین‌الملل همچون دهکده جهانی و شکل‌گیری انواع اتحادیه‌های تجاری، سیاسی، نظامی و غیره باید پذیرفت که ابهام، به یکی از ویژگی‌های سرشتی مفهوم هویت ملی تبدیل شده است.

اکثر نظریه‌های هویت‌روایی، یک خود گذشته را که به‌طور پس‌نگرانه‌ای از موضع اکنون تعریف شده است، فرض می‌گیرند اما بر این نکته تأکید می‌ورزند که «هویت» تعریف شده در یک موقعیت‌روایی، صرفاً داستان یک خود گذشته نیست بلکه مهم‌تر از آن، ارزیابی‌های پس‌نگرانه از همان تجربه‌ها می‌تواند گذشته را به حال پیوند بزند. یک داستان واحد از زندگی، بسته به وضعیت زمانی، مکانی و موقعیت ارتباطی راوی، می‌تواند به چندین شیوه ممکن گزارش شود.

در مجموع، باید گفت که در تمام فرهنگ‌های شناخته شده بشری می‌توان قصه‌گویی را مشاهده نمود. این ایده که مردم با درست کردن قصه درباره زندگی، هویت خود را ایجاد می‌کنند بیش از دو دهه است که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی مطرح شده است.

هویت‌روایی در کودکان

کودکان از دو سالگی که زبان باز می‌کنند، قادرند با عبارات یک یا دو کلمه‌ای، به تجارب گذشته خود ارجاع دهند. این ارجاع‌ها ارزیابی‌کننده و عاطفی هستند و بذریع‌سازی را در ذهن کودک می‌پراکنند. کودکان بعد از سه سالگی به‌تدریج نقل‌روایت‌های منسجم، ساده و متشکل از رویدادهای محدود را به شونده‌های خوش‌باور شروع می‌کنند. این روایت‌ها در میانه دوره کودکی و تا اوایل دوره نوجوانی تا حدودی پیچیده‌تر و جالب‌تر می‌شوند. در این میان، کودکان به خود رویدادهایی که در این روایت‌ها تعریف می‌شوند، چندان اهمیت نمی‌دهند. آنچه برای آنان اهمیت دارد، نفس ارتباط و معنایی است که از آن رویدادها ابداع و رد و بدل می‌شود (ریس و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، والدین، اطرافیان، مراقبان و مربیان کودک نقش حمایتی مهمی در شکل‌گیری هویت‌روایی و توان معنا‌سازی او از روایت‌های نقل‌شده ایفا می‌کنند. تعلق خاطر اطمینان بخش کودک به والدین و اطرافیان و گفت‌وشنود درباره خاطرات خوش گذشته، زمینه مناسبی را برای درونی‌سازی روش‌های ارزیابی خاطرات و تجارب گذشته در کودک فراهم می‌سازد. این مفهوم را با استعاره «حاطه‌گری»، بهتر می‌توان توضیح داد. حاطه‌گری یعنی توانایی حاطه بر احساسات اضطراب‌آور کودک، معنا دادن به آن‌ها و بازگرداندنشان به کودک در زمان مناسب، به صورتی که برای کودک قابل کنترل باشد. برای مثال، مادر هنگام گریه فرزندش نگران می‌شود اما در عین حال می‌فهمد که کودک در حال بیان نیازی است که می‌توان درباره آن اندیشید. بنابراین، او می‌تواند از طریق پاسخ‌هایی مثل در آغوش گرفتن کودک، با وی ارتباط برقرار کند. تعریف روایت‌های زندگی، سهیم بودن در ماجراهای آن‌ها و به یاد آوردن آن‌ها نیز می‌تواند نقش حاطه‌گری داشته باشد. کودک به کمک روایت‌ها می‌فهمد که کیست و چگونه می‌تواند با احساسات دشوار کنار آید، در مورد آن‌ها بیندیشد و درکشان کند. در مقابل، کودکان منزوی فاقد روایتی از زندگی

از هویت ملی کودکان باید گفت که آنان فاقد جنبه‌های شناختی هویت ملی، به معنای آگاهی فرد از وجود یک گروه ملی و باور به عضویت داشتن در آن گروه هستند اما به جای آن می‌توانند از قلمرو جغرافیایی خاص و نشانه‌های ملی از جمله آداب و رسوم، شخصیت‌ها و مکان‌ها، در قالب روایت‌های موجود یا خودساخته، شناخت کسب کنند. البته کیفیت این شناخت، براساس مباحث پیش‌گفته و بسته به گروه‌های مختلف کودکان ایرانی از لحاظ زبان، قومیت، طبقه اجتماعی، باورها، و موقعیت جغرافیایی کوچک درون یک موقعیت جغرافیایی بزرگ‌تر متفاوت خواهد بود (مثلاً کودکان پایتخت‌نشین، شهرستان‌نشین و شهری و روستایی و غیره). در این رابطه، تردیدی نیست که تحقیقات روایت‌محور در حوزه هویت‌های کودکان و همین‌طور، تعمیق آگاهی مربیان پیش‌دستانی از شکل و محتوای انواع هویت کودکان ایران اسلامی، که در قالب روایت امکان بروز پیدا می‌کند، می‌تواند در تبدیل امر واقع بیماری به امر مطلوب سلامت روان تأثیر بگذارد و در نهایت، مبنایی برای رفع کاستی‌ها و معایب از هویت ملی هم‌وطنان شود.

هویت‌روایی

اگر اخبار و اطلاعاتی را که از دور و نزدیک به ما می‌رسند، همچون داستان‌هایی تعبیر کنیم که از زاویه دید ویژه‌ای ارائه شده‌اند. اتفاقات جهان و محیط پیرامون مدام پیش چشمان ما گسترده است و همواره خطوط داستانی مجزایی شکل می‌گیرند که فقط وقتی می‌توانیم آن‌ها را به هم وصل کنیم که در قالب‌های ذهنی خود و از دیدگاه‌های گوناگون به آن‌ها بنگریم. در این خطوط داستانی، هر یک از ما حس می‌کنیم که گذشته‌ای خاص و امید به آینده نهفته است. بر این اساس، هر نسل و ملتی به فراخور شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، جهت شناخت خود، کسب هویت و درک دنیای پیرامونش به‌طور مستمر روایت می‌سازد و روایت دریافت می‌کند.

بنابراین، پیچیدگی زندگی انسان با تعدد تغییراتش، که در گذر محض زمان ایجاد می‌شود، اگر در قالبی روایی قرار بگیرد، قابلیت درک و فهم بیشتری پیدا می‌کند. ما عموماً زندگی‌نامه‌های خود و دیگران را به همان طریقی درک می‌کنیم که داستان‌ها را می‌فهمیم؛ یعنی با پیگیری یک پیرنگ و قهرمان برجسته شده در آن. در روایت‌های کودکان و زندگی‌نامه‌ای، اغلب وانمود می‌شود که هویت راوی همان هویت شخصیت است. در این رابطه، آنچه شخصیت‌ها را برای مخاطب بازشناختنی می‌سازد، توالی نظم‌یافته‌ای از رویدادهایی است که شخصیت‌ها در آن برجسته می‌شوند (دانشنامه روایت‌شناسی، ۱۳۹۱).

از منظر فهم روایی، هویت ناظر بر اتفاقات زندگی یک شخص است تا بر نوعی کیفیت ذاتی - ماهوی، که شخص را تعریف می‌کند. بنابراین، یک شخص تا جایی که هویتش توسط کنش‌هایش شکل می‌یابد، یک عامل یا کنشگر است.

کودک به کمک روایت‌ها می‌فهمد که کیست و چگونه می‌تواند با احساسات دشوار کنار آید، در مورد آن‌ها بیندیشد و درکشان کند

خود هستند. آن‌ها از تجارب دلبستگی خود، مفهومی برای عمل شخصی خویش در جهان حاصل نمی‌کنند. در نتیجه، از پذیرش مسئولیت یادگیری خود یا داشتن برنامه‌ای که در یادگیری به آن‌ها کمک کند، ناتوان‌اند (وایت برد، ۱۳۸۹). علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعریف داستان توأم با راه‌یابی به درون و برون داستان زندگی شخصی، تأثیر زیادی بر کودکان دارای مشکلات عاطفی دارد. این کودکان با روایت داستان خود برای افراد بزرگسال فهمیده، که آمادۀ گفت‌وگو با کودکان و رابطهٔ صمیمانه‌ای با وی برقرار می‌کنند، تجربه و داستان را در خلال این فرایند در هم می‌آمیزند و مفاهیم جدیدی همراه با بازی فرا می‌گیرند. وقتی کودک بداند که کسانی پیام‌های داستانش را درک می‌کنند و می‌پذیرند، برانگیخته می‌شود که به تعریف داستان‌های بیشتری بپردازد و دربارهٔ آن‌ها فکر کند. گرچه درست نیست به‌طور ساده‌انگارانه کودکان را صرفاً از طریق افسانه‌هایشان تفسیر کنیم، می‌توانیم درک خود از مفاهیم و پیام‌های داستان را به وسیلهٔ پاسخگویی مشابه انتقال دهیم. وقتی مخاطب، داستان‌های کودکان را در سطح نمادین می‌پذیرد، ارتباط و اندیشه‌ای نمادین و نیز زمینه‌ای برایشان فراهم می‌سازد که با توسعهٔ آن‌ها، می‌توانند دربارهٔ تجارب شخصی خود به شیوه‌ای متفاوت به تفکر بپردازند و توان نمادسازی خویش را تقویت کنند (وایت برد، ۱۳۸۹).

توانش روایی کودکان و هویت روایی آنان در دو دههٔ اخیر توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است.

رشد توانش روایی به توسعهٔ آگاهی از خویش و هویت فرد کمک می‌کند. در پژوهشی دیگر (وارنر، ۲۰۱۰)، تصریح شده است که کودکان با مشارکت در تعریف خاطرات و رویدادهای زندگی که با همسالان خود در آن رویدادها شرکت داشته‌اند، فرصت می‌یابند که آن‌ها را از منظر متفاوتی مشاهده کنند. این امر ضمن ایجاد زمینه‌ای برای همدلی، درک آن‌ها را از خود و هویت خویش گسترش می‌دهد. در نتیجه، وقتی کودکان با این تجارب روایی به دوران نوجوانی و بزرگسالی پا می‌گذارند، با توانمندی و دقت بیشتری می‌توانند داستان‌های هویت‌ساز زندگی خود را دربارهٔ نقاط عطف و شرایط نامتعارف، مانند کامیابی یا ناکامی‌های بزرگ، تغییرات شگرف، تصمیمات سرنوشت‌ساز، اولین تجربه‌ها در زندگی و غیره، تعریف کنند و نشان دهند که چگونه آن فردی شده‌اند که اکنون هستند. کودکان روایت‌های خود را بیشتر با پدر و مادر، بستگان و مربیان‌شان در میان می‌گذارند ولی وقتی بزرگ‌تر شدند، همسالان جای پدر و مادر و اعضای فامیل را می‌گیرند.

نتیجهٔ مباحث

کسانی که نتوانند داستان‌های خوبی از زندگی خود بگویند، دربارهٔ آن‌ها بازاندیشی کنند یا با آن‌ها به شوخی بپردازند، قادر نخواهند بود معنا و هویتی مناسب برای خود یا دیگران خلق کنند.

این نوع روایت‌ها ضمن نشان دادن هویت، آن را نیز می‌سازند (ایبارا و باربولسک، ۲۰۱۰). ایران با توجه به گذشتهٔ پرفراز و نشیب و مشاهدهٔ حال پرتلاطم و پراز و رمزش، کشوری است روایت‌خیز و روایت‌ساز و بیش از هر زمان دیگری تشنهٔ یادگیری نظریه و علم روایت است. در این رابطه، با توجه به شکل‌گیری شخصیت و هویت کودکان در دورهٔ پیش‌دبستانی، می‌توان به فن روایت، جهان اجتماعی و روابط قدرت مستتر در روایت‌های کودکان و مربیان دقیق شد و عناصر نهفته در موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را که باعث خلق این روایت‌ها شده‌اند، تحلیل نمود. همچنین، به منظور آگاهی از ساخت هویت در میان کودکان پیش‌دبستانی باید دید که داستان ایرانی بودن کودکان در محتواهای آموزشی و فعالیت‌های ده‌گانهٔ پیش‌دبستانی چگونه روایت می‌شود. درست است که کودکان پیش‌دبستانی از طریق بازی و کشف و توسعهٔ توانایی‌های فراشناختی خود و با استفاده از کنجکاوی طبیعی خویش برای یادگیری، از جهان آگاهی و اطلاعات کسب می‌کنند ولی این در صورتی است که محیط به‌صورت بهینه توانمندساز باشد و مربیانی با رویکرد آزادانه و آگاهانه، همدل و متفکر به کار با آن‌ها بپردازند.

منابع

۱. اسكات، ولبور. (۱۳۷۸). دیدگاه‌های نقد ادبی. مترجم: فریبرز سعادت. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر.
۲. بارت، مارتین. (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی. مترجم: محمود شهبانی. مجلهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی، شمارهٔ ۲.
۳. برگ، پتر و لوکمان، توماس. (۱۳۷۵). مترجم: فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. بیات، حسینعلی و یوسفی، جمیله. (۱۳۹۴). روند بازنمایی هویت خودی و دیگری در تاریخ بیهقی، مجلهٔ مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهشنامهٔ انجمن ایرانی تاریخ، سال ۷، شمارهٔ ۲۶، زمستان.
۵. راغب، محمد. (۱۳۹۱). دانشنامهٔ روایت‌شناسی. چاپ اول. تهران: نشر علم.
۶. زهرموند، سعید و رحیمی، منصور. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان انتقادی هویت بر اساس روش فرکلاف، فصلنامهٔ مطالعات نظریه و انواع ادبی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری، سال دوم، شمارهٔ ۴.
۷. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۳). مفهوم‌شناسی هویت ملی. تهران: مؤسسهٔ مطالعات ملی.
۸. هیوز، استیوارت. (۱۳۷۶). هجرت اندیشهٔ اجتماعی. مترجم: عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
۹. وایت هد، دیوید. (۱۳۸۹). مبانی روان‌شناختی آموزش برای همه. مترجمان: محمود تلخابی و مقصود خدایاری. تهران: نشر آبیژ.

10. Ibarra, Herminia and Barbulescu. 2010. Effectiveness and Consequences of Narrative Identity work. Academy of Management Review. Vol. 35, No. 1
11. McDonald, Catherine (2007). The Importance of Identity in Policy: The case for and of children Paper presented to SPRC Workshop UNSW 10 & 11 October 2007
12. Macintyre, Alasdair. (1985). After Virtue: A Study in Moral Theory. Notre Dame: Notre Dame University Press.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعریف داستان توأم با راه‌یابی به درون و برون داستان زندگی شخصی، تأثیر زیادی بر کودکان دارای مشکلات عاطفی دارد

٤٨



نمایش خلاق، یک فعالیت برنامه‌ریزی شده
برای یادگیری کودک و روشی برای بیان
آزادانه ایده‌ها، احساسات و رفتارهای اوست.

۳۰ آذر

ولادت حضرت زینب (س)
و روز پرستار مبارک باد.



مدافعان سلامت